

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ





# حرف نو

گفتاری در باب ۱۲ آذر  
سالروز نهضت تبیین مکتب انقلاب اسلامی





## فهرست

### پیشگفتار

#### مقدمه

- ۱۱ ..... خاستگاه مبحث فرآیند
- ۱۴ ..... فرآیند تحقق اهداف اسلامی چیست؟
- ۱۵ ..... فایده مبحث فرآیند تحقق اهداف اسلامی
- ۱۶ ..... مبانی دینی «فرآیند تحقق اهداف اسلامی»
- ۱۷ ..... در کدام مرحله ی فرآیند هستیم؟
- ۱۹ ..... چگونگی فرآیند تحقق اهداف اسلامی
- ۲۰ ..... ضرورت پشتیبانی راهبردی از فرآیند تحقق اهداف اسلامی

## فصل اول

### ضرورت تبیین مکتب انقلاب اسلامی و شناخت وضع موجود ۲۵

- ۲۷ ..... نگاه کلی به سخنرانی ۱۲ آذرماه ۷۹
- ۲۹ ..... ضرورت شناخت مکتب انقلاب
- ۳۰ ..... تحلیل انقلاب اسلامی
- ۳۱ ..... انقلاب اسلامی عقب گرد یا پیشرفت
- ۳۲ ..... سرعت انقلاب اسلامی در رسیدن به اهداف
- ۳۴ ..... مأموریت انقلاب اسلامی همان مأموریت بعثت

## فصل دوم

### جهان بینی و بینش اسلامی؛ مبنای فکری انقلاب ۳۷

- ۳۹ ..... مدخل
- ۳۹ ..... توحید
- ۴۱ ..... تکریم انسان
- ۴۳ ..... تداوم حیات بعد از مرگ

|    |   |
|----|---|
| ۴۴ | ..... استعداد بی پایان انسان                                  |
| ۴۸ | ..... جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح                      |
| ۴۹ | ..... نتایج عملی و وظایف مبتنی بر مبنای                       |
| ۵۰ | ..... ۱- عبودیت و اطاعت خداوند                                |
| ۵۲ | ..... ۲- هدف گرفتن تعالی انسان                                |
| ۵۵ | ..... ۳- ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی              |
| ۵۸ | ..... ۵- امید به پیروزی در همه شرایط                          |
| ۶۱ | ..... فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی                         |
| ۶۳ | ..... پیروی از هوی و طول امل، عمده ترین خطر انقلاب اسلامی     |
| ۶۵ | ..... مردم سالاری دینی، ملاک تصحیح اخلاق، رفتار و منش مسئولان |

## فصل سوم

|    |  |
|----|--|
| ۶۹ | ..... نقشه‌ی راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی      |
| ۷۱ | ..... نقشه راه حرکت انقلاب اسلامی              |
| ۷۲ | ..... مرحله دولت اسلامی                        |
| ۷۶ | ..... مشکل عدم تربیت معنوی                     |
| ۷۹ | ..... دعوت به سوی دولت اسلامی                  |
| ۸۱ | ..... منش و روش کارگزاران در بیان حضرت امیر(ع) |
| ۸۲ | ..... جریانات و پایان پروژه انقلابی گری        |
| ۸۵ | ..... یاران انقلابی امام حاضر پای انقلاب       |
| ۸۷ | ..... مبارزه ادامه دارد.....                   |

## پیشگفتار

دوازدهم آذرماه، سالگرد بیانات بسیار مهم و جامع و پر رمز و راز و پر فراز و نشیبی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۷۹، در جمع کارگزاران و مسئولان نظام، در ماه مبارک رمضان ایراد کردند. آن چه که ما را واداشت تا این سخنرانی مهم و این مناسبت بسیار پر اهمیت را یادآور شویم، شرایطی است که انقلاب اسلامی امروز در آن قرار دارد.

کمابیش ما با مخاطرات، دغدغه‌ها، نگرانی‌ها، مشکلات و چالش‌های انقلاب آشنا هستیم. دغدغه‌مندان و کسانی که نسبت به انقلاب اسلامی دل بستگی دارند، هر کس از یک زاویه‌ای و در عین حال با یک احساس مشترکی نسبت به این موضوع، همدردند. در عین حال انقلاب اسلامی در یک ارزیابی، به پیش رفته و امروز فرصت‌های بسیار مهمی پیش روی انقلاب اسلامی قرار دارد. همین فرصت‌ها و تهدیدات، ما را بر آن می‌دارد که سراغ ارکان معارف انقلاب اسلامی برویم و به این ارکان و ستون‌های اساسی و محکم تکیه بدهیم و از این طریق گام‌های خودمان را محکم کنیم.

امروز، در عین حال زمانه‌ی لرزیدن گام‌ها و قدم‌ها هم هست. امروز، زمانه‌ی ریزش‌های جدید هم هست. دورانی است که ما رویش‌های بسیار مبارکی داریم که باید آن‌ها را قدر دانست و مراقبت کرد و در کنار آن، مثل همیشه، ریزش‌ها، و گویا این سنت غلبه رویش‌ها بر ریزش‌ها را ما امروز می‌بینیم. سنت خدای متعال که «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ حَلَّتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۱</sup> وجود دارد.

در مقدمه این نوشتار، سعی شده است نمای کلی از بحث مکتب انقلاب اسلامی مبتنی بر سخنرانی ۱۲ آذر ۷۹ رهبر انقلاب ترسیم شود تا خواننده محترم بتواند از مباحث این نوشتار که شامل فصل‌های ذیل است فهم کامل‌تری به دست آورد:

در فصل اول این کتاب تبیین ضرورت شناخت مکتب انقلاب و همین‌طور شناخت مختصری از ویژگی‌های انقلاب اسلامی و وضع موجود مبتنی بر مکتب انقلاب اسلامی آورده شده است که البته این بحث به طور مبسوط در دفتاتر دهگانه اشاره شده است.

در فصل دوم، مبانی پنجگانه فکری انقلاب اسلامی و همچنین نتایج عملی و مبتنی بر همین مبانی که رهبر انقلاب در سخنرانی ۱۲ آذر اشاره نمودند بحث شده است.

در فصل سوم و آخر این کتاب هم مساله نقشه راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی و همچنین مسیر حرکت به سوی دولت اسلامی که سومین مرحله از فرآیند است - که به فرموده رهبر انقلاب ما چندین سال است که در این مرحله مانده ایم و بایستی این مرحله را طی کنیم - مورد بحث قرار گرفته است



تا خوانندگان محترم نسبت به وظیفه مهم و کنونی خویش کاملاً آگاه شده و در صدد عملیاتی کردن این وظایف برآیند.

در نهایت بایستی بدانیم که به فرموده معظم له خرمشهر ها در پیش است و باید خرمشهر های اشغال شده توسط دشمن آزاد شود، لذا انقلاب اسلامی تلاش جوان مومن انقلابی برای تشکیل دولت اسلامی و آزاد سازی این خرمشهر را می طلبد و باید از خداوند منان مدد بخواهیم که در این راه از مجاهدت و مبارزه باز نایستیم و همواره ثابت قدم بمانیم.

بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی

آذرماه ۹۸

حرف نو



۱۰



## مقدمه

### خاستگاه مبحث فرآیند

سال ۷۹ را می توان سرآغاز طرح صریح بحث مهم «فرآیند تحقق اهداف اسلامی»<sup>۱</sup> از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی دانست. «مبحث فرآیند...» به چیستی، چرایی و چینش مراحل پنجگانه انقلاب، نظام، دولت، کشور و بین الملل اسلامی<sup>۲</sup> و چگونگی تحقق آن در بستر و خاستگاه نهضت اسلامی مردم ما می پردازد. این مبحث از ظرفیت بسیار بالایی برای تبدیل شدن به یک پارادایم<sup>۳</sup> و گفتمان ملی، اسلامی و جهانی، در همه سطوح، از نخبگان تا عامه مردم برخوردار است.

---

۱ - رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۸۰ فرمودند: من سال گذشته عرض کردم: «فرآیند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می شود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است. (۸۰/۹/۲۱) همچنین در سال ۹۰ در بیان معنای مرحله اول فرآیند که انقلاب می باشد فرمودند: منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و الاً به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل میشود (۹۰/۷/۲۴) با این توضیح می توان هر دو تعبیر را «فرآیند تحقق اهداف اسلامی و فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی» به عنوان تابلوی این بحث استفاده کرد و ما نیز به تناسب چنین کرده ایم

نهضت اسلامی مردم ایران در دهه پنجاه و شصت، دو مرحله‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی را با موفقیت پشت سر گذاشت. در سرآغاز دهه ۷۰ رهبر معظم انقلاب اسلامی اعلام کردند، امروز مانع عمده و غیر قابل عبوری برای حرکت به سمت دولت اسلامی، کشور اسلامی و جهان اسلام وجود ندارد.<sup>۱</sup>

اما پس از ۹ سال، معظم له در سال ۱۳۷۹ و در یکی از حساس‌ترین مقاطع انقلاب اسلامی،<sup>۲</sup> با اعلام اینکه ما دولت اسلامی در حد مطلوب نداریم، در یک سخنرانی حکمت آمیز، پر محتوی و مفصل به آسیب شناسی، راه شناسی و رهگشائی نهضت اسلامی ایران و طرح بنیادی و راهبردی عمیق، منسجم، اصیل و کارآمد «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» پرداختند.

ایشان همین مضمون را در سالهای ۸۱ و ۸۳ تکرار نموده و دو بار در سال ۸۴ در فضائی متفاوت بر همان بحث تأکید نموده و به تبیین و تکمیل آن پرداختند. سرانجام بازهم در مهرماه ۱۳۹۰، که شرایط داخلی متفاوتی نسبت به سال ۸۴ کشور پدید آمده و در عین حال موقعیتی سرنوشت ساز و کم نظیر در بین الملل اسلامی در وضع بیداری اسلامی، ارزشی و انقلابی ملتها و به تبع آن در اروپا و آمریکا ظهور کرده بود، معظم له با ویرایش جدید و متناسب مبحث «فرآیند»، به بازخوانی هویت و شاکله کلی انقلاب پرداختند. از آن پس و قبل از آن نیز تا کنون مرتباً اجزاء این بحث به انحاء مختلف مورد

۱ - ما توانستیم حصار را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی و دنیای اسلامی برداریم. (۷۰/۱۱/۱۴ گفت و شنود با میهمانان خارجی دهه فجر)

۲ - شش ماه پس از فتنه اول در سال ۷۸ رهبری می فرماید: دشمن از بعد از رحلت امام بیک برنامه‌ی ده ساله را طراحی کرد تا در طول ده سال آن را به نهایت برساند. دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران

توجه معظم له بوده است. از جمله آخرین مورد آن طرح مبحث «شاخص های دولت مطلوب اسلامی» در شهریور سال جاری و در دیدار کابینه دولت یازدهم بوده است. به نظر می رسد سرّ تکرار و غالباً تصریح ایشان به این تکرار<sup>۱</sup> و پایداری معظم له در طرح مبحث «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» در آغاز سه دهه ی ۷۰، ۸۰ و ۹۰، این است که این موضوع جایگاه ویژه ای در نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی دارد. لذا برای پیشروان انقلاب اسلامی و پیروان و همراهان صدیق ایشان از دو جهت شایسته ی توجه خاص می باشد:

این مبحث مهم در هدایت حرکت انقلاب اسلامی به سوی اهداف متعالی آن دارای اهمیت و نقش راهبردی است.

تا کنون از سوی نخبگان جامعه و مسئولان کشور توجه و اهتمام کافی و شایسته ای به این موضوع نشده است.

۱ - تکرار و تصریح رهبر معظم انقلاب بر تکرار فرآیند را در عبارات زیر می توان دریافت. این سیاق بیان یک مطلب و این اسلوب از جانب یک حکیم چه معنایی دارد؟:

سال ۸۰: من سال گذشته عرض کردم «فرآیند تحقق هدفهای اسلامی» یک فرآیند طولانی و البته دشواری است... (در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۸۰/۹/۲۱)

سال ۸۳: بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتیم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله ی بعد... (دیدار مسئولان نظام ۰۶/۰۸/۱۳۸۳)

سال ۸۴: من چند سال قبل عرض کردم که مرحله ی بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است... (خطبه های نماز جمعه تهران ۸۴/۵/۲۸)

سال ۸۴: مسأله ی دولت اسلامی... من به این موضوع در نماز جمعه اشاره یی کردم... من چهار پنج سال پیش همین جا در حسینیّه این مطلب را با مجموعه ی کارگزاران مطرح کردم؛ گفتیم انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و بعد کشور اسلامی (دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۸۴/۶/۸)

سال ۹۰: یک زنجیره ی منطقی وجود دارد؛ پیش ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است... (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۹۰/۷/۲۴)

## فرآیند تحقق اهداف اسلامی چیست؟

براساس فرمایشات رهبر معظم انقلاب، گفتمان «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» متکفل بیان این بحث است که با پیروزی انقلاب اسلامی موقعیتی استثنائی و فوق العاده برای تحقق یک نظام اسلامی و دولت اسلامی و جامعه نمونه اسلامی در ایران و زمینه تکرار این پدیده در بین الملل اسلامی فراهم آمد. خلاصه کلام رهبر معظم انقلاب در مبحث «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» این است که:

در کشور ایران، انقلابی بی سابقه بر مبنای اسلام واقع شد. بر اساس این انقلاب، نظامی با مختصات اسلامی شکل گرفت. مبتنی بر نظام اسلامی، لازم بود دولت اسلامی مطلوب را تشکیل دهیم اما ندادیم و باید آن را ایجاد کنیم. ما تا دولت اسلامی را نسازیم نمی توانیم متوقع تحقق کشور اسلامی و جامعه نمونه اسلامی باشیم. جهان امروز خلاً یک تمدن برتر را حس میکند و انقلاب اسلامی سر آغاز این تمدن الهی اسلامی است.

«فرآیند تحقق اهداف اسلامی» پارادایم اصیل انقلاب اسلامی است. پس از آنکه بیش از دو دهه کشور در مهمترین بخش دولت اسلامی - یعنی قوه مجریه - از سوی عده‌ای از مسئولان، دست اندرکاران و فعالان در جمهوری اسلامی در اداره، متأثر از پارادایم اسلام التقاطی بود - یک دهه متأثر از اسلام سوسیالیستی و ۱۶ سال متأثر از اسلام لیبرالی<sup>۱</sup>، «پارادایم فرآیند» باید دولت

۱ - در دهه‌ی اول، پیشرفت را بسیاری از انقلابیون در الگوی چپ؛ چپ دهه‌ی شصت، یعنی الگوی گرایشمندها به سوسیالیسم می دیدند. هر کس هم مخالفت میکرد، یک تهمتی، لکه‌ای، چیزی متوجهش میکردند. یک عده‌ای از مسئولین، دست اندرکاران، فعالین عرصه‌ی کار در جمهوری اسلامی، نگاهشان نگاه حاکمیت دولت

اسلامی را به معنی حقیقی ایجاد نماید.

همچنین «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» می گوید:

هدف چیست؟

نقشه ی راه چیست؟

چه مراحل و منازلی دارد؟

ما در کدام منزل و مرحله هستیم؟

مرحله فعلی چه مختصاتی از نظر شرایط، موانع، اهداف و... دارد

### فایده مبحث فرآیند تحقق اهداف اسلامی

توجه به مبحث «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» از سوی مسئولان، مدیران، برنامه ریزان و نخبگان کشور، تغییراتی در فکر و اندیشه و سپس در رفتارها، برنامه ها، حرکت ها و فعالیت هایشان ایجاد می کند. «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» یک پارادایم است که در آن مبانی نظری، اصول بنیادین، راهبردها، برنامه ها و اقدامات عمده کشور را در زمان حال و آینده معین کرده و اولویتهای حرکت، جهت و برنامه های مسیر آینده انقلاب اسلامی را مشخص می کند. «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» جامع آموزه های رهبری، پارادایم عصر انقلاب اسلامی، بستارزبابی نهضت، انقلاب و نظام اسلامی، محور نظری

و مالکیت دولت بود؛ خوب، این نگاه، نگاه غلطی بود. نگاه به پیشرفت کشور از زاویه ی دید تفکر شرقی و سوسیالیستی چپ محسوب میشد؛ این غلط بود. البته غلط بودن این خیلی زود فهمیده شد، حتی آن کسانی که آن روز مروج همین دیدگاه بودند ناگهان صد و هشتاد درجه برگشتند! آن افراط به یک تفریط حالا تبدیل شد. یک برهه ای از زمان، نگاه به پیشرفت، نگاه غربی بود؛ یعنی همان راهی که آنها رفتند، اینها هم باید بروند؛ تصورشان این بود. خودشان را در حد انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمی دیدند؛ در حد همین کشورهایی مثل کره ی جنوبی میدیدند. این هم رد شد. امروز در ذهن و فکر مسئولان و به صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزندانگن، نقشه ی پیشرفت غربی کشور رده شده است؛ غلط از آب درآمده است. (دیدار اساتید

وحدت نیروهای انقلاب، ادبیات پایه‌ی بحث دولت، کشور و تمدن اسلامی، مبنای شکل‌بندی اصیل جریان‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، شناساننده وضع و ماهیت چالش‌های خارجی و داخلی حال و آینده و نهایتاً شتاب‌دهنده حرکت پیش‌برنده و پیش‌رونده نهضت و انقلاب اسلامی است.

### مبانی دینی «فرآیند تحقق اهداف اسلامی»

«اسلام»، مبنای حرکت نهضت ما و آبخور اندیشه‌ای حرکت ماست.<sup>۱</sup> لذا اسلام اولین و والاترین معنای بی‌بدیل مطلوب و آرمانی ما و پرچمی است که این نهضت زیر این لواء به پیش می‌رود. اما آنگاه که به محتوای اسلام نظر می‌اندازیم، از خلال تعالیم اسلامی در می‌یابیم اسلام اهدافی مشخص دارد. لذا «اهداف اسلامی» دومین معنایی است که پدیدار می‌گردد. ماهیت «اهداف اسلامی» نیز ما را به سمت تحقق خویش‌هدایت و دعوت می‌کنند. اینجا مفهوم «تحقق اهداف اسلامی» تولید می‌شود.

و در نهایت با نگاه عمیق‌تر و دقیق‌تر به محتوای این اهداف و توجه به نهضت‌های انبیاء و تاریخ اسلام به روشنی معلوم می‌شود با اهدافی بسیار بزرگ مواجه هستیم که طبعاً تحقق آنها به صورت دفعی و ناگهانی ممکن نیست بلکه نیازمند فرآیندی طولانی، تدریجی، برنامه‌محور، مرحله‌ای و سخت است. از اینجا به تعبیر «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» می‌رسیم.

«فرآیند تحقق اهداف اسلامی» همان فرآیند ایجاد قدرت اسلامی<sup>۲</sup> است که

۱ - همه‌ی آنچه که در زمینه‌ی برنامه‌ریزیها، خطوط اصلی برنامه‌ها را تشکیل می‌دهد، یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبخور اندیشه‌ی اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلامی؛ که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست؛ براساس آن برداشت و آن تلقی است که وظایف خودمان را مشخص می‌کنیم و می‌خواهیم به آنها عمل کنیم. (دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹ / ۰۹ / ۱۲)

۲ - وضع کنونی - یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی - شاید هزار مرتبه از بهترین حالتی که در حکومت



با حاکمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آغاز و با نهضت امامان شیعه و سپس نائبان ایشان در انتظار حاکمیت دولت حق پایدار و فراگیر، از فراز عصرها و نسل ها گذشت تا در یک فرصت تاریخی استثنائی<sup>۱</sup> این فرآیند تاریخی به استخلاف و تمکن گروهی از صالحان<sup>۲</sup> در ایران- یعنی انقلاب اسلامی- منتهی شد.

### در کدام مرحله ی فرآیند هستیم؟

با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری مرحله ای که اکنون انقلاب در آن قرار دارد، مرحله تشکیل دولت اسلامی است.<sup>۳</sup> مقصود از دولت، نه فقط قوه

طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقق آرمانهای الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست. ایجاد این قدرت الهی و اسلامی، امر بسیار دشواری است. این چیزی که الان پیش آمده و شما می توانید از طریق آن، این هدفها را تحقق ببخشید، آسان به دست نیامده است. صدها شرط و صدها موقعیت باید ردیف شوند و کنار هم قرار گیرند تا حادثه‌ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد.

دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۱- یک فرصت استثنایی در اختیارمان قرار گرفته است تا بتوانیم اهداف الهی و اسلامی رادریک بخش مهم از جهان «که کشور بزرگ و عزیز ایران است» تحقق بخشیم و آنها را پیاده کنیم... از بعد از صدر اسلام تا امروز هم، چنین فرصتی پیش نیامده است. موقعیت بسیار استثنایی و بخصوصی است. باید این موقعیت را معتم

بشماریم (دیدار کارگزاران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

۲- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور ۵۵) خداوند به مومنان صالح از میان شما وعده حتمی داد که چون پیشینانشان در زمین حاکم می شوند و دینشان قدرت می یابد و امنیت می یابد تا دور از شرک مرا عبادت کنند والا فاسقند (مضمون آیه)

۳- معظم له فرموده اند ما در مرحله ی سوم (دولت اسلامی) هستیم و در موضعی دیگر فرموده اند ما در مرحله دولت و کشور اسلامی قرار داریم. این دو قابل جمع هستند. به این صورت که ما در حین دولت سازی از کشور سازی هم غفلت نداریم اما باید توجه داشت با بخشهای غیر اسلامی دولت نمی توان کشور اسلامی ساخت. به هر صورت نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی مراحل مرتب هستند که در عین حال رابطه ی این مراحل را از جهت تقدم و تأخر را می توان این گونه صورت بندی نمود: تقدم اصولی مرحله ی متقدم، اعاده

مجربه بلکه کلیه قوا و کلیت دستگاههای نظام و منظور از اسلامی شدن رسیدن به نصابهای مقدور اسلام عمدتاً در دو عرصه، یکی روش و منش و تفکر کارگزاران نظام و دوم نهادها و بنیادها و ساز و کارهای اداره حکومت<sup>۱</sup> می باشد.

پیش تر آمد که در آغاز دهه دوم انقلاب، شرایط برای حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه و کشور اسلامی مهیا بود،<sup>۲</sup> اما تا سال ۷۹، با اینکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب مسئولان کشور سهم خوبی از حقایق اسلامی داشتند<sup>۳</sup> اما نتوانستند به دلیل افت و خیزها، عقبگردها، لغزشها و تردیدها و دلبستگیها به رفتارهای طاغوتی<sup>۴</sup> با طی این مسیر آماده و مناسب، انقلاب را به نقطه مطلوب و مقدور دولت اسلامی برسانند. لذا در سال ۷۹ حضرت ایشان فرمودند ما دولت اسلامی نداریم و از آنجا که در کنار ریزشهای دهه ی هفتاد، رویشهایی امید بخش شکل گرفته بود، لذا معظم له فرمودند باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم.<sup>۵</sup>

اقتضائی جزء مرحله ی سابق و تقدم اقتضائی جزء مرحله ی متأخر

۱ - عرصه اول مورد تأکید معظم له در ابتدای دهه هشتاد بود و عرصه دوم در سال ۹۰ توسط ایشان مطرح شد.

۲ - ۷۰/۱۱/۱۴ گفت و شنود با میهمانان خارجی دهه فجر

۳ - امروز دولت ما - یعنی مسئولان قوه ی مجریه، قوه ی قضاییه، قوه ی مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. (دیدار مسئولان نظام ۰۶/۰۸/۱۳۸۳)

۴ - تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز داشته؛ پیشرفت و عقبگرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه یی موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پایمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دلبسته یی به رفتارهای طاغوتی شدیم. اسم ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست. دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۱۳۸۴/۸/۶

۵ - دیدار مسئولان نظام ۷۹/۹/۱۲

## چگونگی فرآیند تحقق اهداف اسلامی

با نگاه به پیشینه تاریخی دولت سازی اسلامی بلکه دولت سازی دینی، می توان گفت ماهیت تاریخ اسلام و تشیع بلکه تاریخ دین در بعد اجتماعی، چیزی جز حرکت به سمت ایجاد قدرت دینی و اسلامی یا تشکیل حکومت دینی و اسلامی نبوده است. لذا می توان گفت روند تحقق دولت اسلامی بلکه دولت دینی در یک فرآیند طولانی تاریخی در ابتدای انقلاب اسلامی به نقطه ی عطف خود رسید و عملاً تحقق آن آغاز شد.

هر چند نهضت اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، متین و مستحکم به پیش رفته است<sup>۱</sup> و در یک ارزیابی کلان این نهضت هیچ وقت شکست خورده نبوده است<sup>۲</sup>، اما به دلایل مختلف از جمله کندی حرکت، آسیب پذیری و هزینه های قابل پیشگیری، این روند از سرعت و استحکام مناسبی پس از انقلاب اسلامی برخوردار نبوده لذا هنوز تا نقطه مطلوب و مقدر فاصله زیادی وجود دارد.

امادولت اسلامی مطلوب که رهبر معظم انقلاب اسلامی از سال ۷۹ با صراحت آن را مطالبه نمودند، چگونه شکل می گیرد؟

بی شک تحقق دولت اسلامی یک پروژه عظیم و خطیر بلکه یک ابر پروژه<sup>۳</sup> می باشد. دولت اسلامی زمانی تحقق می یابد که افکار، عقائد و رفتار

۱ - در همه ی این میدانهای که ما و امریکا با هم مواجهیم، او قدم به قدم عقب نشینی میکند؛ ما عقب نشینی نمیکنیم؛ ما جلو میرویم دیدار رهبران گروه های جهادی فلسطینی ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

۲ - اعتقاد من این است که در همه ی میدانهایی که آنها با ما پنجه درافکندند و مقابله کردند، ما پیروز شدیم. پیروزی به یکی از دو معنا؛ یا فائق آمدیم و غلبه کردیم، یا نگذاشتیم طرف مقابل پیروز شود و او را ناکام گذاشتیم. دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۰۹/۱۱

۳ - در اینجا با معنای متعارف پروژه در مقابل پروسه مواجه نیستیم. اصولاً روش ما ورود به این دایره ی مصلحات عرفی خاص نیست بلکه از این واژه ها معانی عرفی عام آنها اراده شده است

تعداد و نصاب گسترده ای از مسئولان در اداره کشور با نصابهای قابل حصول اسلام در عصر غیبت تطبیق نماید<sup>۱</sup> و شیوه ها، سازو کارها و ساختارهای اداره امور با تغییر و نوسازی کارآمد شوند<sup>۲</sup>.

از جمله مقدمات ضروری برای نیل به این هدف همانا توجه دادن نخبگان و مردم به ضرورت حرکت به سمت دولت اسلامی، ایجاد انسجام و وفاق فکری و همدلی در این راه، طراحی نظامات و الگوهای اسلامی اداره و پیشرفت کشور و ترسیم نقشه راه تحقق دولت اسلامی، با کمک مجموعه ای گسترده از نخبگان حکومتی و مردمی می باشد. و تنها این دولت اسلامی است که می تواند با مشارکت تضمین شده و هدایت شده ی مردم، دست به کار ابر پروژه ای دیگر یعنی تحقق جامعه نمونه اسلامی و کشور اسلامی شود. امروز اولین گام موثر برای دعوت مسلمانان به اتحاد و همبستگی و بشارت دهی به ظهور تمدن اسلامی، دعوت عملی آنان به الگوی موفق و درخشان جامعه نمونه اسلامی است که پس از تحقق دولت اسلامی در ایران اسلامی محقق خواهد شد.

### **ضرورت پشتیبانی راهبردی از فرایند تحقق اهداف اسلامی**

اگر چه دستگاههای شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی در ایران و مسئولان آن می بایست با کمک مردم، خود را به نصابهای اسلامیت مورد نیاز برای طی کردن این راه دشوار می رسانند، اما به دلایل مختلف این هدف میانی مهم، حتی پس از سه دهه نیز به دست نیامد. برخی از اهم عوامل کندی حرکت

۱ - مراجعه شود به سخنان رهبر معظم انقلاب در ۱۳۷۹/۰۹/۱۲، ۱۳۸۰/۰۹/۱۲، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶، ۱۳۸۴/۰۸/۰۶ و ۸۴/۰۵/۲۸

۲ - مراجعه شود به سخنان معظم له در ۹۰/۰۷/۲۴

به سمت دولت اسلامی از این قرار است:

- ۱- نبود یک الگوی اصیل دینی عصری از دولت اسلامی
- ۲- موج هجوم اندیشه های بیگانه ی غربی در برابر دولت سازی اسلامی با تکیه بر چند صد سال پشتوانه تئوریک
- ۳- وجود پایگاههای فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بیگانه در کشور
- ۴- فشارهای همه جانبه نظام سلطه برای جلوگیری از تحقق دولت اسلامی در ایران انقلابی
- ۵- نبود اهتمام و عزم و بصیرتی هم وزن مرحله ی خطیر دولت اسلامی در خواص برای پی گیری خستگی ناپذیر و مدبرانه تحقق این مرحله
- ۶- وجود بقایای یافت های نظام ستمشاهی در لابلای افکار، رفتار، سازو کارها و شیوه های اداره امور و عدم اهتمام و توجه لازم به پاکسازی کامل دولت اسلامی از این ناخالصی ها
- ۷- آسیب پذیری و ریزش برخی خواص و مسئولان بر اثر پیدایش برخی عوارض روحی و فکری ناشی از سایش ها و فرسایش های معنوی و فکری

پس از انقلاب اسلامی همچنان رسوب نگرش ها و استانداردهای طاغوتی، شاهنشاهی و غربی در ساختارهای کشور و نفوذ و رسوخ موجهای جدید اندیشه ی غربی نه تنها باعث ایستایی آنها در اجرای رسالت های انقلابی شد، بلکه آنها را به مروجان عملی و نظری این اندیشه ها تبدیل نمود. طبعاً چنین ساختارهایی نمی توانند انقلاب را از تنگناهای موجود نجات دهند. در بین مسوولین نیز گاهی در بعضی مقاطع، برخی انحرافات و نارسائی های فکری،

اخلاقی و عملی مانع توجه و اهتمام کافی به این مهم شده است. حتی با وجود سلامت از انحراف فکری و علیرغم برخورداری نسبی از برخی نصابهای لازم در تعهد و توانائی در میان مسئولان بالا، در مواردی بخصوص در سطوح پائین تر استحاله ی ناشی از قرار گرفتن در پارادایم ها و ساختارهای موجود، مانع از ایفای نقش عمده در مسیر تحقق اهداف اسلامی گردیده است. در مواردی هم چه بسا ضعف های فکری، شخصیتی، نفسانی، روحی و معرفتی نیز به این امر دامن زده است. این است که ساختارها و نرم افزارهای موجود و کسانی که اهل اهتمام و تحول نیستند نمی توانند متولیان خوبی برای تحقق دولت اسلامی باشند. از مطالعه عملکرد ۳۵ ساله دستگاههای مختلف بدست می آید، ساختارها و مجموعه های موجود تا کنون توانمندی کافی برای پیاده سازی کامل اهداف انقلاب اسلامی را نداشته اند. لذا برای تحقق دولت اسلامی نباید به دستگاههایی که نتوانسته اند خود را کاملا از آفات و آسیبها برهانند، امید بست. بنابراین شایسته است در افقی بالاتر و در سطح راهبردی و در امتداد و ادامه ی نگاه و همت بلند رهبر معظم انقلاب، برای تحقق دولت اسلامی فکر و تلاش شود. این فکر و تلاش در سه محور دنبال خواهد شد: تولید اندیشه راهبردی: لازم است در حوزه اندیشه به کشف، ترسیم و طراحی راهبردهای تحقق مراحل سوم و چهارم فرآیند یعنی دولت اسلامی و کشور اسلامی با افق تمدن اسلامی پرداخته شود.

- ۱- پرورش نیروی مناسب: انقلاب اسلامی همچنان از فقدان نیروهای پرورش یافته متناسب با اهداف عالی مراحل بعدی رنج می برد. لذا پرورش نیرو در دو بعد معرفتی و معنوی برای پیشبرد اهداف اسلامی همچنان ضروری است
- ۲- راهبری و مدیریت راهبردی: لازم است در حوزه مدیریت و اقدام، همه ی

ظرفیتهای انقلاب به سوی این اهداف هدایت شده و برای پیش برد راهبردها اهتمام ورزیده شود.

انقلاب اسلامی در برهه کنونی و در مسیر حرکت به سمت اهداف خود برای تحقق دولت اسلامی و جامعه مطلوب اسلامی در وهله اول نیازمند تولید فکر، طراحی، برنامه ریزی و و سپس محتاج پیشبرد راهبردی حرکت به سمت اهداف خود است. امروز خلاء اهتمام به این مسئله «در سطح راهبردی» کاملاً مشهود است.

حل این مشکلات و برداشتن موانع از پیش پای حرکت به سمت دولت و کشور اسلامی با افق تمدن اسلامی و فراهم آوردن ظرفیتهای، فرصتها و امکانات این حرکت، ضرورتی است که عنایت و اهتمام ویژه ای را از جانب نیروهای اصیل انقلاب، پیشتازان حرکت انقلابی و پیروان و ملازمان ولایت فقیه طلب می کند. کلام آخر اینکه «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» امروز محتاج یک پشتیبانی و بستر سازی ویژه است.





## فصل اول

# ضرورت تبیین مکتب انقلاب اسلامی و شناخت وضع موجود



## نگاه کلی به سخنرانی ۱۲ آذرماه ۷۹

رهبر انقلاب در جمع رئیس جمهوری و مسئولان بلند مرتبه نظام، همان ابتدا هم تذکر می دهند که آن چه که رئیس جمهور در زمینه مبارزه با فقر و فساد و تبعیض گفتند این مورد تایید است. همچنین در مورد گشایش امور اقتصادی مردم، این ها حقیقتاً جز کارهای مهم است. این تاریخچه را باید مراجعه کرد به تحلیل هایی که جمع بندی شده، در مورد زمینه های این بیانات و همچنین تاریخ آن ایام، باید آن جا مراجعه کرد و بعد می فرمایند انتظار عمده ام از بخش های اقتصادی است. سال ۷۹. این ها چرا داریم عرض می کنیم؟ برای این که بدانیم بحث اهتمام به اقتصاد از کی توسط رهبر معظم انقلاب گفته شده است.

بعد از این مقدمه، ایشان در نحوه طرح این بیانات در ۱۲ آذر، یک شیوه خاصی را دارند، در چند سخنرانی، قبل از این، در تابستان، در این مسافرت های استانی، که با مردم صحبت می کنند، آن جا مسائل اصلی انقلاب را در

افکار عمومی زمینه سازی می کنند، آن جا بحث ها شده، این جا یک نقطه ای است مرتبط با آن بحث های چند ماه قبل. یعنی این ها مهندسی شده است. تمام این اجزا وقتی انسان نگاه میکند، می بیند کاملاً یک مجموعه منسجم مهندسی شده‌ی مدبرانه، با سایر خصوصیات که ریشه در اسلام دارد، ناظر به مسائل روز است و امثال این ها، که خود این ها بحثی جدا دارد یعنی واقعاً باید این ابعاد را هم به آن توجه کرد.

باز یک پله دیگر پایین تر می آید و درباره انقلاب اسلامی، می فرمایند این یک فرصت استثنایی است که در اختیار ما قرار گرفته و این فرصت، یعنی دست یافتن به قدرت، قدرت، قدرت. قدرت که همیشه در بیانات ایشان این قدرت الهی وجود دارد. در همین دهه ۹۰ هم ایشان باز می فرمایند اگر اسلام بخواهد با استکبار پنجه در پنجه بکند، می تواند استکبار را قلع و قمع کند. به شرطی که قدرت داشته باشد، این قدرت، یعنی دولت اسلامی. سال ۹۵، سوم خرداد ۹۵، در دانشگاه افسری سپاه و ششم خرداد در بیاناتشان با خبرگان. این مسئله قدرت این قدر اهمیت دارد که همین موضوع دولت اسلامی در حقیقت آن درون مایه اش، قدرت اسلام است، قدرت همه جانبه، فقط قدرت نظامی خیر، قدرت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، امنیتی و غیره.

بعد می فرمایند ما مدعی پیاده کردن اهداف الهی هستیم و دیگر حکومت ها غالباً چنین ادعایی ندارند. آن هایی که ادعا می کنند و وضعشان معلوم است، این هایی که ظاهر اسلام را دارند، آن ها اصلاً بهشان نمی پردازند. بعد می فرمایند این از صدر اسلامی تا کنون ما چنین چیزی را نداشتیم. بعد می فرمایند حالا که این شرایط پیش آمده، وظایفی بر عهده ماست. اما این وظایف یک مبنای فکری دارند. و همه آن چه که در زمین است، برنامه ریزی ها،

خطوط اصلی برنامه‌ها را تشکیل می‌دهد یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبخشور اندیشه اسلامی، جهان بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلامی. ببینید ایشان دارند کارگزاران درس اسلام شناسی طراز انقلاب اسلامی می‌دهند. معلوم است که این نیاز زمان است. حالا نقشه راه چیست؟ نقشه راه همین است. نقشه راه این است که ما مسئولینی باید داشته باشیم که این‌ها اسلامی شناس باشند، در این اندازه‌ای که آقا از این‌ها انتظار دارد. می‌فرمایند این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست. یعنی این امور باید در ایمان ما، در اعتقاد ما، در باور ما، رسوخ کرده باشد. یک مسئول و یک دولت مرد اسلامی، یعنی یک کارگزار اسلامی. چه نماینده مجلس، چه عضو قوه مجریه، چه مقننه، چه سایر دستگاه‌های مهم، باید ترازوی از این اعتقاد و ایمان را در سطح بالا، هر چه بالاتر، بالاتر، داشته باشند. همین جا دارد آرام آرام معلوم می‌شود که اوضاع چیست و چی باید باشد.

### ضرورت شناخت مکتب انقلاب

با تکیه بر سخنرانی ۷۹/۹/۱۲ ما باید تکلیف خودمان را بدانیم و نقشه راه انقلاب اسلامی را بتوانیم به شکل کلی‌نگاهی بندازیم و انشاءالله این کار شروعی باشد برای بازخوانی این سخنرانی و بیانات مشابه. تارفته رفته نسبت به اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، منظومه این اندیشه و بلکه بالاتر از منظومه‌ی اندیشه، آن چه که در ابعاد یک مکتب، با همه معنایش وجود دارد، تعمق کنیم و اهل استنباط و فهم عمیق و فقه این مکتب بشویم. چه این که ما در این انقلاب، در اندیشه امام، عمیق‌تر بودیم و سپس در اندیشه و مکتب جانشین به حق آن بزرگوار، عمیق‌تر شدیم، این مشکلاتی که مشاهده می‌کنیم وجود نداشت. یا به راحتی رفع می‌شد یا اساساً به وجود نمی‌آمد.

لذا علت العلیل همه مشکلات ما همین است. یعنی اگر شما بخواهید یک تحلیل جامع از انقلاب اسلامی، آسیب‌ها و ریشه‌های این آسیب‌ها، از یکسو، و پیشرفت‌های انقلاب و پایه‌های این پیشرفت‌ها بیندازید و در یک احصای تام، مجموعه بسیار گسترده و متنوعی از عوامل را جمع کنید، این‌ها را دسته‌بندی نکنید، اهم و مهم نکنید، فرعی و اصلی نکنید، در یک مجموعه و در یک نمودار درختی، می‌رسید به یک عامل، و آن مکتب انقلاب اسلامی، مکتب امام‌راحل‌عظیم‌الشان و مکتب امام‌حاضر انقلاب اسلامی است. ما اگر به این ستون محکم تکیه کنیم، علاج دردها و مشکلات، و پایه‌ی پیشرفت‌ها و شتاب‌هاست.

### تحلیل انقلاب اسلامی

امروز متأسفانه در دانشگاه، در ادبیات تحلیل انقلاب اسلامی، ما درماندیم. واقعا تحلیل درستی داده نمی‌شود. به همین خاطر دانشجوی ما، درس انقلاب اسلامی درس کسالت آور است برایش. یک حرف‌های کلیشه‌ای و تکراری که ممکن است درست هم باشد بعضی‌هایش، ولی جوان را جذب نمی‌کند، سوالهای اصلیش را از آن پایه پاسخ نمی‌دهد.

آقامی فرمایند انقلاب اسلامی این‌طور نبوده که رخ دهد. ما مثل فیلم‌های سینمایی، که آخر سر، آن آرتمیست پیروز می‌شود، انقلاب اسلامی را این‌جوری تحلیل می‌کنیم. یکی بود یکی نبود. یک شاه‌بدی بود، یک امام‌خوبی بود. این شاه‌بد ظلم کرد، ظلم کرد، ظلم کرد، امام قیام کرد، پیروز شد. آقا چه می‌گویند؟ می‌گویند صدها شرط و موقعیت کنار هم قرار گرفت که اگر کنار هم قرار نمی‌گرفت انقلاب رخ نمی‌داد. مگر سال ۴۲ قرار نبود انقلاب شود چرا نشد؟ چون این شرایط کنار هم قرار نگرفت. سال ۵۷ هم کی تحلیل

کرد که انقلاب، سال ۵۷ پیروز می‌شود؟ اندیشمندترین افراد نزدیک به امام، نزدیکترین اندیشمندان انقلابی به امام، سال ۵۶ می‌گفتند ۲۰ سال دیگر. ما ۲۰ سال وقت می‌خواهیم برای این که انقلاب کنیم. هیچ کس پیش بینی نمی‌کرد. خود امام پیش بینی این طوری نداشت. امام از یک مقطعی فهمیدند که انقلاب پیروز می‌شود. گفتند مراجعه می‌فرمایید لابد. حالا همین را بخواهیم باز کنیم. پر از معارف است این سخنرانی، بقیه سخنرانی‌ها. این جای ویژه‌ای دارد. به خاطر این که آن جامعیت را دارد.

### انقلاب اسلامی عقب‌گرد یا پیشرفت

بعد از ۳۸ سال از این حرکت، حرکتی که با انقلاب اسلامی شروع شد و بعد نهضتی که به انقلاب منتهی شد و بعد، یک نظامی تاسیس شد، بعد از ۳۸ سال، امروز این سوال برای دغدغه‌مندان انقلاب مطرح است که ما چه وضعی داریم؟ آیا متوقف شدیم؟ آیا عقب‌گرد داریم؟ آیا انحراف داریم؟ و اگر این‌ها هست یا نیست، اما اجمالاً مشکلات هست، ریشه این مشکلات و راه برون‌رفت از مشکلات کدام یک است؟

هم ارزیابی امام راحل در اواخر عمر شریفشان، و هم ارزیابی رهبر معظم انقلاب در هر مقطع از دوران پس از امام، این است که ما و انقلاب ما، نه توقف دارد، نه عقب‌گرد دارد و نه انحرافی عارض بر این حرکت کلی شده است. صحبت از ارزیابی کلی است. ارزیابی‌ای که باید به صورت جامع، عمیق، گسترده، صریح، منصفانه و آگاهانه و مسئولانه شکل بگیرد.

ارزیابی این دو بزرگوار، دو رهبر انقلاب، دو امام انقلاب این است که ما به پیش رفتیم. ما نه توقف داریم، نه عقب‌گرد داریم و نه انحراف در حرکت اساسی انقلاب. بله، اجمالاً مشکلاتی در حرکت انقلاب وجود دارد.

اگر بخواهیم این مشکل را دقیق تر بشناسیم، باید بگوییم حرکت انقلاب نسبت به سرمایه‌هایی که دارد کند است. اما نسبت به بقیه انقلاب‌ها، حتی کند هم نیست، بلکه نسبت به بقیه انقلاب‌ها، اگر مراجعه کنیم، می‌بینیم که بسیار هم پر شتاب است.

### سرعت انقلاب اسلامی در رسیدن به اهداف

اگر اهدافی که انقلاب اسلامی ظرف این ۴۰ سال به آن رسیده، با توجه به شرایط جهانی عصر انقلاب اسلامی، مقایسه کنید با انقلاب‌هایی که حالا می‌خواهیم یک مقایسه‌ای کرده باشیم، که اصلاً قابل مقایسه نیست، انقلاب اسلامی از بقیه انقلاب‌هایی که در قرن ۱۹ و ۲۰ اتفاق افتاده است، جداست، به تعبیر امام. حالا می‌خواهیم با مسامحه ارزیابی کنیم، باید بگوییم انقلاب ما برای کسانی که تاریخ این انقلاب‌ها را خواندند انقلاب معجزه‌آساست در سرعت پیشرفت و رسیدن به اهداف در این ۴۰ سال. آن جای خود. و البته نباید از این غفلت کرد. چون بعضی‌ها با دیدن همین مشکلاتی که اطرافشان هست، کاسه صبر را زمین می‌زنند، و می‌گویند تمام شد و این انقلاب هم شکست خورد و نرسیدیم و آن چه که دشمن می‌خواهد، یعنی یأس و افت انگیزه در ما ایجاد می‌شود. خیر. در مقایسه با انقلاب‌های دیگر وضع ما بسیار بسیار بهتر است. اما نسبت به سرمایه‌های این انقلاب، تکیه بر خدا، معنویت، این وحدت مردم در همین اهداف الهی و اهداف عالی حکومت عدل الهی، رهبری بی‌نظیر امام و بعد از امام راحل، امام حاضر انقلاب، نسبت به این سرمایه‌ها، حرکت ما در جایی که باید باشد، نیست. و اگر نگرانی هست، اگر نارضایتی هست، که ما در حضرت آقا هم دیدیم، مثلاً بیانات ۶ شهریور ۹۶، بیانات بسیار تلخی بود. خیلی ایشان محزون بود در



این صحبت‌ها، و این حزنی که نیروهای انقلاب دارند ناشی از همین کندی حرکت نسبت به سرمایه‌ای است که ما می‌توانستیم با تکیه بر این سرمایه‌ها، شتابان جلو برویم و از دولت اسلامی تا به حال عبور کرده باشیم و وارد جامعه نمونه اسلامی شده باشیم.

البته باز بنا بر ارزیابی‌هایی که آقا به شکل منحصر به فرد دارند، ما ندیدیم، یا حداقل تا آن جایی که آشنایی و اطلاعی داریم، نمی‌شناسیم کسی این قدر بتواند به طور دقیق، این اهداف و مراحل را، اولاً ترسیم کند، خود این یک کار بی نظیری بوده، همین ۵ مرحله ساده‌ای که هنوز هم ما در الفیاض ماندیم، نخبگان ماندند، حوزه مانده، و بعد، زمان بندی این مراحل تا آینده، تا آخرین مرحله‌ی ب اصطلاح آخرین منزلگاه انقلاب، یعنی تمدن اسلامی، و این اظهار نظری که شبیه به پیشگویی است. فقط آینده نگری نیست.

این که می‌فرمایند شما نسل جوان، قطعاً تمدن اسلامی را خواهید دید، زمانش معلوم است چقدر است. جایی هم زمان را فرموده‌اند. حدود سال ۸۴ فرمودند ۵۰ سال دیگر. ۱۰ سال بعد فرمودند ۴۰ سال دیگر. یعنی ما داریم پیش می‌رویم و ایشان در درون این حرکت، یک جوشش‌ها و جنبش‌هایی حس می‌کنند، می‌بینند، که این موانع و مشکلات و مسائلی که پیرامون ماست، پیش ایشان هیچ است. ایشان پشت این صحنه، پس این ظاهر را می‌بینند که در آینده چه اتفاق افتاد. این نیروی متراکم آگاهانه‌ی جوانانه، دارد می‌آید جلو و هر مانعی را از سر راهش بر می‌دارد انشالله.

اگر چه ما مشکلات داریم، مشکلات هم مشکلات خطیری است، اما ایشان می‌بینند. و این که ایشان می‌بینید امید دارند، این امید به خاطر دیدن همین هاست. ما هم اگر متکی بشویم بر همین نگاه، در ما هم، همین

امید مومنانه‌ی آگاهانه ایجاد می‌شود که در بیانات ایشان در همین بیانات ۷۹/۹/۱۲، در لابه لای مطالب، یک ظرائفی وجود دارد که این‌ها را هم می‌شود از این‌ها بیرون آورد. همه‌اش هم از معارف اسلام، تماماً عصاره و چکیده و برگرفته‌ی متناسب با عصر انقلاب اسلامی، از اسلام برای این دوره.

این نگاه، بایستی یک نگاه عمیق باشد. ما در این هیجاناتِ جریان‌ات جاری، نباید هیجان زده شویم. ما باید با آرامش تعمق کنیم در آن چه که نجات دهنده ما در همین عصر و دوره پر هیجان است. لذا الان وقت تعمق، تامل و توقف در این بیانات است و حال همان‌طور که خواهیم گفت و شما هم تصدیق می‌کنید همین الان، ما عقب ماندگی داریم نسبت به این بیانات. همان چیزهایی که ما را نجات می‌داد و می‌دهد، باید امروز در دستور کار ما قرار بگیرد.

لذا با حوصله باید این بیانات را خواند و هرچه می‌توانیم، به هر شکل که می‌توانیم، روی این بیانات ۷۹/۹/۱۲ و قبلش و بعدش کار کنیم. حلقه‌های مباحثاتی تشکیل بدهیم برای این بیانات و تعمق کنیم، آن وقت خود خواهیم دید این ابعادی را که مطرح شد. لذا یک مقداری روی این بیانات با تأنی جلو می‌رویم.

### مأموریت انقلاب اسلامی همان مأموریت بعثت

آیه‌ای که ایشان در این سخنرانی بیان کردند. در مطلع فرمایش شان. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا. وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا». مأموریت پیامبر اکرم که همان مأموریت انقلاب اسلامی است، چیست؟ ارسال شده انقلاب اسلامی، مبعوث شده انقلاب اسلامی، در ادامه بعثت پیامبر اکرم، برای این که شاهد باشد برای مردم جهان. امت وسط باشد برای این که نمونه و

شاهد و شاخص و میزان در این عصر برای مردم این عصر باشد. شاهد است. انقلاب اسلامی مبشر یک پیام نو برای بشریت، مبشر یک نظم نو در این دوران و مبشر پایان یافتن این نظم کهنه‌ی پوسیده‌ی ظالمانه است. و انقلاب اسلامی نذیر است، انذار می دهد، انسان ها را متوجه فطرتشان می کند، از آن جا به تکالیف شان تذکر می دهد و انذار می دهد که شما نسبت به این پدیده نمی توانید بی طرف باشید. شما سوال خواهید شد از این نعمت. از این نعمت که خدای متعال در این عصر به واسطه‌ی این ملت بزرگوار و انتخاب شده، مسیر این عصر شده. لذا انقلاب اسلامی نذیر هم هست. انقلاب اسلامی سراج منیر است. نور انقلاب اسلامی امروز در جهان، علیرغم تلاش همه خفاش ها و خفاش صفت ها در حال گسترش است.

«وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا». و بشارت بده به مومنین، به انقلابیون، که این ها از جانب خدا فضل کبیر دارند و برگزیده شده اند، تفضیل داده شده اند مردم ما. این ها بشارت های قرآن است برای این مردم. بشارت های نشاط بخش، بشارت های احیاگر است.

«وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ». ای پیغمبر، ای انقلاب اسلامی، از کفار و منافقین تبعیت نکن. جهاد کبیر. جهاد عدم اطاعت. در مقابل کفار. «وَجَاهِدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا». «وَدَعْ أَدَاَهُمْ» این ها یکسره اذیت می کنند، تا خسته تان کنند، تا دست بردارید، تا تسلیم شوید. اراده شما هدف قرار گرفته است. رها کنید، اعتنا نکنید به این آزار و اذیت های پیوسته و مستمر این کفار. «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا». توکل بر خدا کنید. توکل علی الله. واجب است توکل. تکلیف شرعی انقلابی ما امروز توکل بر خداست. تکلیف است دیگر، فی الامر است دیگر. و اعتقاد به کفایت وکالت خدا در

این عالمی که از هر سو فشار و محاصره و تهدید، انسان اعتقاد داشته باشد به این که خدا وکیل است.

« وگفی بِاللّٰهِ وَكَيْلًا ». الیس لا بکاف عبد. از همین آیات، این دریچه بزرگ و نورانی جلوی روی ما باز می شود که ما چه وضعی داریم، چه رسالتی داریم، چه تهدیداتی داریم، چه نقشه راهی داریم، چه وظایفی داریم. پر از انگیزه، پر از بشارت. این آیات با این دقت انتخاب شده است.

خب، این سخنرانی ایراد شد و گذشت و در این سایت ها و در این برنامه های نرم افزاری، همین طوری ماند و این دقت ها رویش نشد.

## فصل دوم

# جهان بینی و بینش اسلامی؛ مبنای فکری انقلاب



## مدخل

رهبر معظم انقلاب مطلع بیانشان را در خصوص جهان بینی و بینش اسلامی این گونه آغاز می کند :

« آن مجموعه معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آنها به دست می آید - یعنی جهان بینی و بینش اسلامی - فصول متعددی دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت دارای تأثیر است؛ که من پنج نقطه مؤثرتر و مهمتر را انتخاب کرده ام و عرض میکنم.»<sup>۱</sup>

## توحید

در بیانات ایشان اولین و مهمترین رکن و رکن اصلی مبانی فکری فردی و اجتماعی ما، چه به صورت آحاد و چه به صورت یک نظام مستقر و یک حکومت ایجاد شده، توحید است. توحید را به این گونه توضیح می دهند :

«از این پنج نقطه، یکی توحید است. توحید، یعنی اعتقاد به این که این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشانها و سحابیها و حفره های عظیم آسمانی و کرات بی شمار و میلیونها منظومه شمسی بگیری، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی - که آن قدر نظم در این ترکیب عظیم متنوع و پیچیده وجود

۱. دیدار کارگزاران نظام : ۱۳۷۹/۹/۱۲

دارد که هزاران قانون از آن استنباط کرده‌اند؛ چون وقتی نظم غیرقابل تخلف شد، از آن قوانین تکوینی و بیتخلف استفاده می‌شود - ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. این اعتقاد امری است که هر ذهن سالم و هر انسان عاقل و صاحب تفکر و دور از شتابزدگی در فکر یا بیحوصلگی در تصمیم‌گیری یا پیشداوری در قضایا این را قبول می‌کند. نقطه بعدی این که این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بینهایت و توصیف‌ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، فلان بت ساخته بشر، یا فلان انسان محدود مدعی خدایی، یا فلان سمبل و نماد افسانه‌ای و اسطوره‌ای نیست؛ بلکه ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او «خدا» می‌گویند و او را با آثارش می‌شناسند. بنابراین، هم اثبات این قدرت و اراده و مهندسی پشت سر این هندسه عظیم و پیچیده است؛ هم اثبات این که آن مهندس بی‌نظیر و غیرقابل توصیف، این چیزهای کوچکِ دم‌دستِ بیمارزشی که بشر یا خودش می‌سازد، یا مثل خودش کسی آنها را می‌سازد، یا از قبیل خودش یک موجود زایل شدنی است، نیست؛ بلکه «هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون».

همه ادیان در این بخش از جهان‌بینی مشترکند؛ ادیان قدیم، ادیان ابراهیمی، ادیان پیش از ادیان ابراهیمی؛ حتی همین ادیان شرک‌آلود هندی فعلی. اگر کسی وداها را نگاه کند، عرفان توحیدی خالصی در کلمات وداها موج می‌زند که نشان‌دهنده این است که سرمنشأ، سرمنشأ شفاف و زلالی بوده است. بنابراین، توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم



براساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم.<sup>۱</sup> و بعد از این، تکریم انسان. ما انتظار داریم که براساس آن چه که از اصول دین می‌شناسیم ایشان همان روند بیان اصول دین را ذکر کنند، اما ایشان دومین اصل را تکریم انسان بیان می‌کنند. یا انسان محوری. نکته مهم این است که این‌ها پایه‌هایی است برای کارهای بعدی. یعنی آن‌چه که می‌خواهد در نظام اتفاق بیفتد، برنامه‌های نظام، وظایفی که این نظام دارد یک پایه‌اش توحید است که آن‌البته اساس پایه‌هاست و در کنار او، بر روی این پایه، سایر ارکان که یکی از آن‌ها تکریم انسان قرار دارد.

### تکریم انسان

«سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»، «جَعَلَ لَكُمْ»، «اوحلت لكم»، «خَلَقَ لَكُمْ»، این آیات همه دارد محوریت انسان را بیان میکنند که خدای متعال این عالم را در اختیار انسان قرار داده است. تکریم انسان. ایشان باب تکریم انسان را به عنوان دومین رکن بدینگونه در بیانشان باز می‌کنند: «رکن دوم، تکریم انسان است؛ یا میتوانیم به آن بگوییم انسان محوری. البته انسان محوری در بینش اسلامی، به کلی با اومانیسیم اروپای قرون هجده و نوزده متفاوت است. آن یک چیز دیگر است، این یک چیز دیگر است. آن هم اسمش انسان محوری است؛ اما اینها فقط در اسم شبیه‌همند. انسان محوری اسلام، اساساً اومانیسیم اروپایی نیست؛ یک چیز دیگر است. «الم تر و ان الله سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»، کسی که قرآن و نهج البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این تلقی را به‌خوبی پیدا میکند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می‌چرخد. این شد انسان محوری.

در آیات زیادی هست که خورشید مسخّر شماسست، ماه مسخّر شماسست، دریا مسخّر شماسست؛ اما دو آیه هم در قرآن هست که بیان می کند. مسخّر شمایند، یعنی چه؟ یعنی الان بالفعل شما مسخّر همه شان هستید و نمیتوانید تأثیری روی آنها بگذارید؛ اما بالقوه طوری ساخته شده اید و عوالم وجود و کائنات به گونه ای ساخته شده اند که همه مسخّر شمایند. مسخّر یعنی چه؟ یعنی توی مشت شمایند و شما میتوانید از همه آنها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان دهنده آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخّر او میکند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است: «ولقد کرّمنا بنی آدم»، این «کرّمنا بنی آدم» - بنی آدم را تکریم کردیم - تکریمی است که هم شامل مرحله تشریح و هم شامل مرحله تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریحی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه ها کاملاً پایه های انسانی است.<sup>۱</sup>

واقعا جای تعمق دارد که ما اگر این موضوع را، یعنی تکریم انسان را یک پایه فکری بدانیم، آن وقت می بینیم با این مردم باید چطور رفتار کنیم، آن وقت می دانیم که کرامت مردم را ما باید چطور رعایت کنیم. آن وقت ما نسبت به این مردم، نگاهمان متفاوت می شود. وقتی یک حادثه برای مردم پیش می آید مسئول دولت اسلامی باید بی تاب شود، باید سراسیمه بشود تا برود به سمت مردم. آن جا خاضعانه با آن ها در بیامیزد. برود در میان این ها حضور پیدا کند، با حاجب و محافظ و این ها نمی شود با مردم رفتار کرد، بعد بگویی که مردم کرامتشان را حفظ کردیم، ما تکریم کردیم مردم

۱. دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۷۹/۹/۱۲

را. این هاست. تمام این کارها، شب و روز فکر کردن برای مردم، تکریم مردم، یعنی اعتماد به مردم، اعتماد به فهم مردم و اعتماد به عقل مردم، اعتماد به فطرت مردم، اعتماد به خواست مردم، این مردم هم، مردمی که ۴۰ سال پای این انقلاب ایستادند. تکریم این مردم، یعنی همه این ها. و وقف کردن خود برای این مردم، آن طور که امام کرد و ذره ذره امام آب شد. در بیان قطعنامه اش این تعبیر را داد که من تمام زندگیم برای خدمت به شماسه و در راه خدمت به شما داریم می سوزد. این روحیه کسی است که ایمان دارد. این ها ایمان است. این ها لقی لقه نیست. باید ایمان داشت که مردم کرامت دارند. باور داشت، اعتقاد داشت. اگر کسی باور داشت رفتارش می شود رفتار دولتمرد اسلامی. پس ببینید ما مشکلمان در باورهاست. این باورها باید تبیین بشود، ترویج شود، ترغیب شوند مسئولین، و اقدامات دیگری که باید شکل بگیرد تا مسئولین باورمند بر سر کار بیایند.

## تداوم حیات بعد از مرگ

ایشان می فرمایند که :

«یعنی زندگی با مردن تمام نمیشود. در اسلام و البته در همه ادیان الهی - این معنا هم جزو اصول جهان بینی است و تأثیر دارد. همان طور که گفتم، تمام این اصول جهان بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه های حکومت اسلامی و اداره جامعه و اداره عالم مؤثر است. بعد از مرگ، ما وارد مرحله جدیدی میشویم. این طور نیست که انسان نابود شود؛ از جوی جستن و رفتن به یک مرحله دیگر است؛ و بعد در آن مرحله، مسأله حساب و کتاب و قیامت و این چیزهاست.»<sup>۱</sup>

همین که ما باور این را داشته باشیم، نوع زندگی‌مان در حوزه فردی و حکومتی و مدیریتی تغییر می‌کند. که حالا بعداً این پایه‌ها، وظایف متناسب و متناظر با خودش را هم دارد.

### استعداد بی پایان انسان

در کنار این‌ها، استعداد بی پایان انسان، که می‌فرمایند:

«استعداد بی پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند. در آیه شریفه «لقد خلقنا الأُنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»، «احسن تقویم» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ این که مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین‌طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری‌ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد؛ تا آن جایی می‌رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست؛ یعنی می‌تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه اینها بالاتر برود.»<sup>۱</sup>

انسان استعداد دارد تا آخرین نقطه تعالی حیات ممکنات بالا رود. این هم جزو ایمانیات و باورهای ما باید باشد. معظم له تعبیر می‌کنند این «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» را نه فقط این که انسان از جهت سر و شکل و گوش و چشم این‌ها در بهترین شکل است، می‌فرمایند حیوانات هم این شکل را دارند کمابیش. آن‌ها احسن تقویم هستند، از جهت تناسب اندام

۱. دیدار کارگزاران نظام : ۱۳۷۹/۹/۱۲

۲. تین : ۴

ظاهری. می فرمایند خیر. احسن تقویم برای انسان یعنی بهترین اندازه گیری که رشد او دیگر نهایت و اندازه ای ندارد. این سیر جز با استفاده از امکانات و عالم ماده هم ممکن نیست. یعنی انسان می تواند در یک سیر کمالی و تعالی آن قدر برود، در بی نهایت حرکت کند، اما این سیر در همین دنیاست، در همین عالم ماده اتفاق می افتد. آن وقت این باور پیوند می خورد به رابطه دنیا و آخرت، در انسان، و از این، یک مفاهیم و معارفی بیرون می آید که در حرکت جامعه و برنامه ریزی های جامعه نقش بسیار اساسی ایفا می کند. چطور؟ می فرماید که این سیر تعالی و تکاملی انسان که با استفاده از استعداد های ماده هست، سخر لکم، در آن اصل قبلی، انسان از این عالم ماده استفاده می کند، برای آن سیر، برای آن تعالی.

این جا یک مطلبی را بیان می کنند که ای کاش، در حوزه های ما روی این مطالب تفکر می شد. این ها مایه های الهام و پژوهش ها و تولید علم قرار می گرفت. می فرمایند:

« بنابراین سیر تعالی و تکاملی انسان در خلأ نیست؛ با استفاده از استعداد های ماده است؛ بنابراین با هم سیر می کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر میگذارد، او در شکوفایی این اثر می گذارد و پیشرفتهای شگفت آور را به وجود می آورد.»<sup>۱</sup>

انسان از عالم ماده، از عالم طبیعت استفاده می کند و عالم طبیعت را شکوفا می کند و خود شکوفایی عالم طبیعت، انسان را شکوفا می کند. یعنی شکوفایی انسان همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است. این

جمله را شما در ذهن بسپارید. شکوفایی انسان همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است.

بعد مراجعه بفرمایید به این بحث های فراوانی که امروز در موضوع تکنولوژی و حدود تکنولوژی از نگاه اسلام و دین، و بعد بحث های حاشیه و در کنارش بحث سنت و تجدد و امثال این ها در گرفته در حوزه و غیرحوزه. و سال ها هم هست این بحث ها می شود و چندان هم ما نتیجه ای ندیدیم از این بحث ها. چرا؟ چون عامل هدایت که ولایت است، که حجت این زمان است، که حجت علمی این زمان است، معنای حجّت را و حجّیت را طلبه ها می دانند یعنی چه، معنای حجّیت علمی را می فهمند یعنی چه. این حجّیت علمی برای ما یک پایه است که ما در مورد رابطه متقابلش، شکوفایی انسان و طبیعت فکر کنیم. آیا امروز این روند صنعت و تکنولوژی در جهت شکوفایی عالم طبیعت دارد کار می کند، یا مصرف است، استفاده است. حالا آثار و عوارض چیست، می بینید. که در خود غرب صدای خیلی ها در آمده است. که این حرف ها را در دانشگاه ها نمی شود زد. چون غرب و تکنولوژی و دوره مدرن جزو مقدسات دانشگاه ماست، دانشگاه های ماست. اگر کسی بخواهد کوچکترین تعریفی به گوشه تکنولوژی بزند، انگ ارتجاع و عقب ماندگی و واپس گرایی و عصر حجری و این ها بهش میخورد و غیرت مندانه دفاع می کنند، نمی گذارند. اما غیرت ورزی جاهلانه. چرا؟ چون در خود غرب یک جریان نقد مدرنیسم راه افتاد، ادبیات شده است. حالا از گوشه و کنار، کتاب هایی هم توسط بعضی انسان های آگاه ترجمه شده و این ترویج نمی شود در دانشگاه ها، حوزه های نمی دانم چقدر خیر دارند از این بحث ها، ندارند. فوقش این است که ما یک جریان منتقد نسبت به صنعت و تکنولوژی داریم،

اما جریان سلبی است. آن کجا، که الامدت ها هم هست که پیشتازان این عرصه فکری بحث تکنولوژی، از دیدگاه اسلامی، این ها فقط دارند روی سلب قضیه کار می کنند. یعنی این که ما این تکنولوژی را نمی خواهیم و به درد ما نمی خورد، در اسلام این تکنولوژی تایید نشده، چی تایید شده؟ چه گزینه ای جای آن مطرح می کنید؟ انسان رابطه اش با طبیعت چطوری تبیین می شود؟ این جا می فرمایند براساس شکوفایی متقابل. این یک جمله دریا معانی دارد. ما این نعمت، نعمت ولایت، در دست ما و در کنار ماست و در تولید علم، ما باروری و شکوفایی نداریم. نمی خواهیم بگویم دچار سترونی شدیم. ولی واقعا، خب بالاخره باید آدم ببینید دیگر. باید آثار عملی این کارهای فراوان علمی را در حوزه مشاهده کند دیگر. بالاخره که نمی شود که ما تحقیقات علمی ارزش مند و دقیق و واقعا هم دقیق و واقعا هم علمی داشته باشیم اما براساس آن معیار علم نافع، نفع عملی این تولیدات علمی را در جامعه مشاهده نکنیم، جامعه ما دچار این مشکلات، دچار این گرفتاریها، دچار این چالش ها، دچار این ریزش ها، دچار این انحرافات، دچار این آسیب ها، آسیب های مختلف اجتماعی و فرهنگی، آن وقت ما دلمان خوش باشد که یک قفسه کتابخانه داریم، صد جلد کتاب تدوین کردیم، گذاشتیم در قفسه. خب، چرا؟ چون این ها وصل به دریا نیست.

تعبیر خوبی می کرد یک انسان دل آگاه، می گفت ماها حوضچه و چاله و حداکثر استخر یا برکه ایم. این آفتاب که بهش بخورد تبخیر شود، مگر این که وصل به دریا شود. این دریای معارفی که ولایت به او وصل است، به اراده خدا و به هدایت الهی، براساس یک سنت الهی در کل تاریخ بشر، این دریا نجات بخش ماست. آن وقت می بینید برکه، حوض، چاله، همه اش

دریاست، هیچ کس هم تبخیر نمی شود و می شود از او دائماً استفاده کرد. خب همین جمله همین مسئله شکوفایی عالم ماده و طبیعت و شکوفایی متقابل انسان و طبیعت، ببینید چه راهی برای این که ما یک الگوی جدیدی برای تسخیر طبیعت به دست بدهیم، ایجاد می کند. استفاده نمی کنیم. این در مورد استعداد بی پایان انسان. این دریای استعداد انسان ها، این معادن طلا و نقره‌ی استعدادهای انسانی، که اگر وصل به این دریا بشوند، اگر از این منابع غنی تغذیه بشوند و غنی سازی شوند، شما ببینید چه می کند در حوزه. این همه استعداد در این حوزه می آید به عشق اسلام، به عشق انقلاب، به عشق مردم، بعد چه اتفاقی می افتد؟ چه ثمری از این جنس ثمرات؟

### جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح

پنجمین محور هم، محور حتمیت حاکمیت حق است. که می فرمایند که همه انبیا آمدند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی سوق دهند. آن بزرگراه اصلی که هنوز وارد نشدیدم. ببینید ابعاد را، چطور رهبری ترسیم می کنند:

«از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این پروبرگرد هم ندارد. همان طور که یک بار به اشاره گفتم - و الان هم جز به اشاره نمیتوانم بگویم، چون مجال تفصیل نیست - همه انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بروز کند. انبیا و اولیا این مردم گمگشته را مرتب از این کوه و کمر و دشتها و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولیعصر ارواحنافداه محقق خواهد شد؛ لیکن همه این تلاشها اصلاً براساس این بینش است که



نهایت این عالم، نهایت غلبه صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بربرگرد ندارد. قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.<sup>۱</sup> بعضی‌ها وقتی به انقلاب نگاه می‌کنند غفلت می‌کنند از موقع و جایگاه انقلاب اسلامی در این عالم، که چه نقشی دارد، یک غفلتی پیش می‌آید. نمی‌خواهم بگویم اشتباه و برداشت غلط شکل می‌گیرد. یک برداشت غافلانه است. یک مسامحه‌ای اتفاق می‌افتد که در اوایل انقلاب این بیشتر بود. ما تا برسیم به بزرگراه اصلی حرکت بشر به سمت تعالی، تا دوران ظهور راه داریم. ما انقلاب اسلامی را بزرگراه اصلی بشر نمی‌دانیم. این از آن طرف، که حواسمان باشد وقتی داریم در مورد انقلاب اسلامی حرف می‌زنیم توجه به ابعاد عظیم حرکت اسلام و آینده بشر داریم، اما به هیچ‌وجه آن ابعاد عظیم، از عظمت همین مرحله و همین حرکتی که در عصر انقلاب اسلامی باید برود، تا انتها، کم نمی‌کند. صحبت از عظمت هاست، دنیای عظمت هاست، مثل این عالم. که هر چه انسان چیزی را عظیم می‌بیند می‌بینید از او عظیم‌تر هم وجود دارد. مقیاس‌ها عظیم است. لذا این‌ها در ذهن انسان یک افقی ایجاد می‌کند که این افق در انسان، انگیزه فوق‌العاده‌ای را شکل می‌دهد و هیچ وقت انسان خسته نمی‌شود. البته شرایط دیگری هم باید باشد که در همین بیان و بیانات مربوط به این بحث دارند.

### نتایج عملی و وظایف مبتنی بر مبانی

معظم‌له می‌فرمایند که این بشر باید برود به این سمت تا به اهداف برسد.

بعد می فرمایند که وظایفی برعهده ما هست. وظایفی که هم انبیا داشتند، امامان ما داشتند و افراد و حکومت ها دارند. می فرمایند این وظایف چه در زمان حکومت اسلامی، چه در زمان حکومت طاغوت، برعهده همه است. همه باید این را داشته باشند. چون آن اصول مبانی است. مبانی که فقط مخصوص دوره حکومت اسلامی نیست، اما در دوره حکومت اسلامی این مبانی بسیار بیشتر قابل استفاده است، بسیار کارآمدتر و بارورتر است این مفاهیم و این مبانی.

### ۱- عبودیت و اطاعت خداوند

اولین نتیجه و وظیفه عملی از توحید عبارت است از عبودیت و اطاعت از خداوند، توحید ما را به اطاعت از خدا و سرپیچی از اطاعت اعدادالله دعوت می کند. همین برای دولتمرد وظایف بسیار مهمی تعیین می کند. «وَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ»<sup>۱</sup>، «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»<sup>۲</sup>، «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»<sup>۳</sup>. اطاعت نکن از کفار، اما تبعیت و اطاعت کن از راه خدا. ما راه داریم، ایشان می فرمایند ما راه داریم، ما نقشه داریم، ما طرح داریم، این طرح، الهی است، از قرآن، از آیات، از روایات، از این معارف اسلام، این ها بیرون می آید این راه. راه خدا. همین مراحل ۵ گانه ای که ما تا انتها، به مرحله تمدن نوین می رسیم این راه خداست. وقتی کلان را شما دیدید، اجزاء را هم می توانید قطعه قطعه قرار دهید. مهم این است آن قالب کلان تان درست باشد، قواره تان درست دربیاید، بعد آن وقت قطعات ریزتر را سرجایش راحت می توانید بنشانند. حالا شما ببینید اگر قواره کلی را درست

۱. احزاب: ۱

۲. فرقان: ۵۲

۳. احزاب: ۲

درنیاورید، مدت های هی شروع کنید، زحمت، تلاش، برای این که این اجزا را شکل دهید، بعد یک دفعه نگاه می کنید به قواره، نگاه می کنید نه، این، آن نیست. چقدر اهمیت دارد این قواره کلی. چقدر ارزش دارد، چقدر باید قدر بدانیم که این مراحل انقلاب اسلامی را ایشان برای ما ترسیم کردند. این قواره کلی را برای ما ریختند، شکل دادند، دست ما دادند، هر چه می توانید تمام تلاش هایتان، تمامی مجاهدت هایتان، تمامی مبارزاتان، تمام تلاش های علمی تان، فرهنگی تان، تبلیغی تان و تحقیقی تان همه را بریزید در این قالب. چون راه درست است. دیگر فقط از این به بعد می ماند کار و کار و کار. وقتی راه مشخص شده تردید برای اشتباه در پیدا کردن راه برای رسیدن به هدف نبود، دیگر انسان فقط باید در این راه برود. ببیند این چه نعمتی است که خدای متعال نصیب ما کرده است و ما هم باید حمد خدا را به جا بیاوریم، شکر خدا را به جا بیاوریم که خدای متعال راه مستقیم را به یک ملت اعطا کرده است. ملت های دیگر ندارند این راه را. کلان راه ملت ها، بی راهه است امروز. کور است این راه ها. این راه پیش روی ملت ما باز است. ما این نعمت ها را قدر می دانیم؟ اگر ما قدر بدانیم منتقل می کنیم به مردم؟ مگر می شود ما این را بفهمیم و تصدیق کنیم، آن وقت مردم تصدیق نکنند، آن وقت مردم راضی نباشند، شکر نکنند، چرا این نارضایتی ها وجود دارد؟ برای این که این ها خوب فهمیده نمی شود، خوب منتقل نمی شوند. مردم از گرانی و تورم و سختی و این ها که طبیعت این را پرافتخار است و هر چه این راه پرافتخارتر، سختی ها بیشتر. مردم به تنگ نمی آیند، کما این که نیامدند مردم امروز نارضایتی شان به خاطر سختی راه نیست. به خاطر این است که کسانی در گوشه و کنار این حاکمیت قرار دارند، این ها به وظیفه شان عمل نمی کنند.

قرار است مردم کمک کنند، حمایت کنند اسلام پیش برود. مردم می بینید بعضی ها دنبال این نیستند. مردم از این نارحت اند. این باید حل بشود.

## ۲- هدف گرفتن تعالی انسان

مسئله بعدی هدف گرفتن تعالی انسان است. براساس آن تکریم انسان و براساس استعداد بی پایان انسان. ایشان در این خصوص می فرمایند که :

«دوم، هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی - یعنی جامعه تعالی پیدا کند - و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظفند برای این چیزها تلاش کنند: گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خُلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری - نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است - و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسانها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره حکومت غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد.»<sup>۱</sup>

بینید می فرمایند که یعنی تعالی خود و تعالی دیگران. اگر قرار است انسان در یک سیر بی انتها، به سمت کمال برود، پس وظیفه ما برای خودمان و برای دیگران این است که تعالی ایجاد کنیم. بعد می فرمایند تعالی علمی. تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی، تعالی اقتصادی.

۱. دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۷۹/۹/۱۲

سال ۷۹ حضرت آقا کلید واژه تعالی همه جانبه را مطرح می کنند، در مقابل چی؟ توسعه همه جانبه. سال ۹۶ مسئولین محترم کشور ما همچنان می فرمایند توسعه پایدار و همه جانبه، می بینید. خب، حالا ممکن است بگوییم بعضی از این مسئولین تقصیری ندارند. این ها مایه ای ندارند از مبانی و معارف اسلامی. اما حوزه ها چطور؟ حوزه ها نباید به موقع در همان سال ۷۹ بلکه قبلش، می آمدند بحث تعالی را توضیح می دادند؟ تعالی سیاسی، تعالی اقتصادی، تعالی اجتماعی، این ها نباید در حوزه معنا می شد؟ بعد از این بیانات چند تا گردهمایی در ارتباط با موضوع تعالی همه جانبه در حوزه شکل گرفت؟ چند تا همایش تشکیل شد؟ چند تا هم اندیشی به وجود آمد؟ چند تا رساله و پایان نامه های حوزه، اختصاص به این مسئله پیدا کرد؟ چرا؟ مگر ما در حوزه کم همایش و گردهمایی و هماندیشی و سمینار و غیره داریم. چرا این اتفاق نیفتاد؟ چرا جفا به رهبری؟ چرا عقب ماندگی از رهبری؟ ما چه انتظاری داریم؟ انتظار داریم که کار این انقلاب با شتاب جلو برود؟! وقتی این طور رفتار میکنیم با این راهنمایی ها و هدایت گری ها. آن وقت امروز شما می بینید که صحبت از توسعه پایدار می شود. معلوم است وقتی ما این مطالب را تبیین نکردیم قدرت علمی و اسلامی و کارآمدی این مفاهیم را نگفتیم، معلوم است بی توجهی گسترش پیدا می کند.

حضرت آقا می فرمایند که من از این کلمه برندم می آید. الان این کلمه برنند در دهان ماها هم افتاده، طلبه ها و روحانیون و آخوندها می گویند برنند. مسئولین و دولتمردان دیگر جای خود. او می گوید من بدم می آید. اظهار برائت از این کلمه می کند. آن وقت شما می بینید در تلویزیون راحت این کلمه را استفاده می کنند. این می شود وضعیت وقتی در نیابیم این پیروی

را در نیابیم متابعت را، پیگیری نکنیم، حوزه با قدرت علمی و اسلامی دنبال نکند، بیان رهبری همین طور می شود. آن وقت نتیجه چه می شود؟ در ۷۹ این را فرمودند، ۱۰ سال بعد در بجنورد، می فرمایند که ما که بررسی می کنیم می بینیم که اهداف مردم در قالب یک کلمه قابل جمع بندی است و آن کلمه‌ی پیشرفت است. توجه دارید. وقتی کلید واژه تعالی دریافت نمی شود، او باید همراه این قوم حرکت کند. نرمش داشته باشد. می فرمایند که از مجموعه خواست مردم، ما می فهمیم که مردم دنبال پیشرفت اند. البته آن اصول را رها نمی کند، می گوید پیشرفت اسلامی.

خب این پیشرفت اسلامی کلید واژه تعالی بود، این اتفاقات می افتد. ببینید جابه جای این عرصه‌ی رابطه ولایت با نیروها و با جریان های مختلف از پیروان و دیگران و دیگران، قابل این طور ارزیابی است. امروز سوال می کنند، مرتب ما خودمان این سوال را از خودمان می کنیم این جریان اعتراض در ما مرتب دارد قوی می شود. آقا چرا این جوری است، می این چرا چرا را می پرسیم، یواش یواش سوال می رود سمت رهبری. آقا چرا رهبری هیچ کاری نمی کند؟ این را یواش می گوئیم. رهبری کاری بکند. ببینید این چقدر این نگاه، نگاه نادرستی است. رهبری کارش را کرده است. شما چه کار کردید در زمان خودت؟ آن موقعی که گفت به این جا حمله کنید، گفت این قله را بگیرید، گفت این جا را باید بگیرید، نگرفتید، نرفتید، نکردید، نخواستید، بالاخره نکردید. نتیجه اش این شد. این ها اجزای این بحث ماست، هنوز کلان را ما نمی گوئیم. از همین ها شروع می شود. همین ها را باید تحلیل کرد. این ها را ما خودمان قبول کنیم. کوتاهی ها را بشناسیم، هدایت گری ها را ببینیم، در بزنگاه ها، راهنمایی هایی که شد و بی توجهی هایی که در کنارش اتفاق

افتاد. خوب، این‌ها را جمع کنید، می‌شود وضع موجود. می‌خواهیم تحلیل کنیم چرا، به این دلایل و همین‌طور بخوایم حرف بزنیم همین‌طور باید خط به خط بگوییم و بایستیم. بله این می‌شود مسئله تعالی. بعد این‌ها را تعریف هم کردند.

### ۳- ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی

ترجیح و فلاح و رستگاری اخروی و دنیوی، در مقام تعارض. ایشان در خصوص می‌فرمایند که: «سوم، ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی، اگر با هم تعارض پیدا کردند. این هم یکی از وظایف عملی هر انسانی است که معتقد به آن جهان‌بینی است. یعنی اگر در موردی پیش آمد که یک سود دنیوی در جهت هدفهای اخروی قرار نگرفت، تا آنجایی که ممکن است، انسان باید سعی کند این سود دنیوی را در جهت هدفهای اخروی قرار دهد. اگر یک جا با هم سازگار نبود، انسان یا بایستی از یک سود چشم‌پوشد - چه سود مالی، چه سود قدرت و مقام و محبوبیت و... - یا بایستی گناهی را مرتکب شود که موجب وزر اخروی است. لازمه اعتقاد به آن جهان‌بینی این است که انسان جنبه اخروی را ترجیح دهد؛ یعنی از آن سود صرف نظر کند و آن گناه را مرتکب نشود. برعهده هر مسلمانی است که این‌گونه عمل کند. انسان باید فعالیت‌های خودش را برنامه‌ریزی کند؛ به نحوی که با تلاشهای عظیم دنیوی که ناگزیر است آنها را انجام دهد، منافاتی پیدا نکند و برخلاف فلاح اخروی و وظایفی که تخلف از آنها ممکن است در آخرت برای انسان وزر و وبال به بار آورد، نباشد.»<sup>۱</sup>

این سومین وظیفه است که می‌فرمایند ما داریم. این یعنی چه؟ یعنی

حکومت اسلامی تشکیل نشد که در این کشور هر اتفاقی بیفتد. حکومت اسلامی تشکیل نشد که ما دست هایمان را در مقابل استکبار بالا ببریم، که ذره ذره ما را به خودکشی وادار کنند. خب، این را یک بار، دوبار رهبری، به شکل مصداقی گفتند و مهمتر از آن به شکل یک اصل، که حواستان باشد ما تا یک جایی کوتاه می آییم. البته بعد از آن این چفیه و آن جان ناقابل، یادمان است دیگر. که من ایستادم. یک جان ناقابلی دارم. یعنی تنها هم بشوم، این جا حسینی خواهد شد. یادتان است دیگر. یادمان است سال ۷۸ ایشان این چفیه را انداختند روی دوششان، در مصلی در اجتماع جوانان، فرمودند دشمن اگر این جا زیاد فشار بیاورد این جا حسنی نخواهد شد، این جا حسینی خواهد شد. این را گفتند. در جاهایی دیگر هم تعابیر دیگری هم کردند. تصریح کردند که دل افراد مومن قرص باشد که ما کشور را ذره ذره تسلیم کفر نخواهیم کرد. این را باید بدانند همه. اما نیاز نیست ما این را هی تکرار کنیم. این اصل است. که سعی می کنیم سود دنیوی را با منفعت اخروی پیوند دهیم، اما اگر نشد سود دنیوی را می گذاریم کنار. این کلان قضیه. مسئولین هم اگر آن باور، آن اعتقاد به حیات اخروی در درونشان شکل گرفته باشد، رسوخ کرده باشد، آن وقت این ها حیات اخروی را به سود دنیوی نمی فروشند. نتیجه اش چیست؟ می فرمایند که اگر این ها یک جا با هم سازگار نبود، انسان یا بایستی از یک سود چشم بپوشد، چه سود مالی، چه سود قدرت، مقام، محبوبیت یا بایستی گناهی را مرتکب شود و موجب وزر اخروی بشود.

چه می شود یک مسئولی، به قیمت محبوب شدنش، دروغ می گوید، حق و ناحق می کند، چه میشد مسئولی بخاطر این که بر قدرت بماند، آخرت و ارزش ها و همه این ها را کنار می گذارد. چه می شود یک مسئولی برای این



که در مقام خودش باقی بماند، می بینید که همین جوری راحت دروغ می گویند، حیا هم نمی کنند. گویا به این نتیجه رسیدند دروغ بگو، تکرار کن، گوش هم نکن چی می گویند، کاری هم نداشته باش. بالاخره یک عده ای باور می کنند، یک عده باور نمی کنند. آدم دارد به این جا می رسد که دروغ به صورت ممکن به عنوان ابزار برای حفظ حکومت دارد استفاده می شود. یعنی گفتند آقا دروغ بگو، نه خجالت بکش، نه بترس. همیشه هستند یک عده ای باور کنند. چرا این اتفاق می افتد؟ چون ایمان به آخرت نیست. چون این وظیفه براساس آن ایمان در انسان نیست که چهار روز است این ریاست، یعنی چه، این به چه درد می خورد، واقعا دنبال آدم چه باشد در این دنیا.

#### ۴- مجاهدت و تلاش و مبارزه

معظم له می فرمایند که: «چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است. یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی - چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع؛ که حکومت و یا یک قدرت باشد - این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی و بیعملی و بیتعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ میگوید به ما چه! کج رویهای برخاسته از هوس نیز همین طور است. انسان به اینها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بیعملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد که آن را در بند بعدی عرض میکنم.»<sup>۱</sup>

یکی از کارهای واجب این است که انسان چه فرد، چه جمع، حکومت داشته باشد و برای گرفتن قدرت تلاش میکند یا نداشته باشد باید مبارزه کند دائم، تلاش دائمی و کنار گذاشتن تنبلی و بی عملی و بی تعهدی. شما ببینید چقدر این تنبلی امروز در جامعه ما، در بین نخبگان خواص ما، دارد مسئله درست می کند. البته این جهاد، باید جهاد فی سبیل الله باشد.

### ۵- امید به پیروزی در همه شرایط

در ادامه نکته آخری را اینگونه بیان می کنند: «پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه شرایط است؛ به شرط آن که جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و نا کامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل الله چیست؟ این است که انسان به سبیل الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین میتواند در راه آن مجاهدت کند.»<sup>۱</sup>

می فرمایند اگر جهاد فی سبیل الله باشد کسی که مشغول مجاهدت است حق ندارد ناامید شود. چرا؟ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده است و نا کامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت نبوده. یا اگر بوده فی سبیل الله نبوده. حالا ببینید رمز این امید بی پایان آقا به آینده این انقلاب روشن شد، اگر تو مجاهدت فی سبیل الله کردی پیروز می شوی. او چون خود یک مجاهد فی سبیل الله کمر بسته است، می داند پیروز می شود.

۱. دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۷۹/۹/۱۲

ایشان در یک جمعی این تعبیر حضرت موسی را به کار بردند که وقتی این قوم موسی آمدند و فرار می کردند و می گفتند: «فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالُوا أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»<sup>۱</sup>، پدرومان درآمده است. این سپاه فرعون به تاخت دارند می آیند سمت ما از پشت، جلیومان هم دریا. حال این مردم را ببینید چه حالی اند. در این حالت پر از خوف و اضطراب، حضرت موسی می فرمایند که نترسید، خدا با من است.

حضرت آقا یک جوری گفتند خدا با من است که همه حس کردند که ایشان خودشان را می گویند. بلافاصله ایشان استدراء کردند، گفتند، عین تعبیر یادم نیست. حضرت موسی گفتند که خدا با من است. واقعا ایشان باور دارد که خدا با او است. چرا خدا با اوست، چون او با خداست. «من كان لله، كان الله له». این فرد کاملا برای خداست، تمام هستی اش را برای خدا داده است، خدا با اوست. قلب مردم در اختیار اوست. حالا این کف و این خس و خاشاک و این چیزهایی که بیشتر هم به چشم می آید اشتباه می اندازد بعضی ها را، فکر می کنند ایشان در جامعه محبوبیت و پایگاه و این ها چه و چه و چه. و قرار نیست که حالا این چیزها همی دائما به رخ کشیده شود. خدا نکند یک روزی، یک وضعیت فوق العاده ای پیش بیاید آن جا معلوم می شود که مردم با کی هستند، که دل مردم با کی است. او می داند که این دل مردم با اوست، چون او با خداست. و چون دل مردم با اوست، می داند که این مردم پای این کار هستند و امید دارد. این است آن رموز امیدی که آقا دارند این است. ما هم مثل او شویم. ما هم این راه برویم آرام آرام، می بینیم که این امید در ما شکل می گیرد و باید هم بگیرد. می فرماید این وظیفه است. امیدواری

وظیفه است. منتها وظیفه کورکورانه نه، وظیفه آگاهانه.

می فرمایند که این وظایف الان در برعهده همه است. وظیفه اصلی همه انبیا و اولیا و ائمه همین بوده و در کل تاریخ بشر هم این وجود داشته. «وَكَأَيُّنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»<sup>۱</sup>. این جریان مبارزه، جریان مجاهدت، در کل تاریخ وجود داشته و بعد می فرمایند که این مبارزه برای ایجاد آن قدرت الهی است. ایجاد قدرت الهی. ببینید این لایه لایه های معارف اسلام، چطور به شایستگی چیده میشوند، کنار هم قرار داده می شود، تا برسند به انقلاب اسلامی. آن وقت شما نگاه کنید به این سخنرانی، ببینید چقدر این سخنرانی کامل است. این اسکلت اصلی آن چه که از معارف الهی و اسلامی برای این انقلاب لازم است را شما در این سخنرانی می بینید. با آن مقدماتی که عرض کردم. با آن دقت ها و ظرافت ها. ایجاد این قدرت الهی، در این مبارزه که باید برویم، همه انبیاء هم حرکت کردند برای این راه، امر بسیار دشواری است. این چیزی که الان پیش آمده و شما می توانید از طریق آن این اهداف را تحقق ببخشید آسان به دست نیامده. این جا تازه به انقلاب اسلامی می رسد. صدها شرط و صدها موقعیت باید ردیف شوند، کنار هم قرار گیرند تا حادثه مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد. بنده یک چنین تحلیلی را در این جریان های تحلیل انقلاب اسلامی از سوی کسانی که تحلیل گر انقلاب اسلامی هستند به این صورت ندیدم. صدها حادثه، شرایط مختلف، این ها باید جمع میشد تا انقلاب اسلامی اتفاق بیفتد. به تعبیری که ایشان دارند این پدیده بسیار مغتنم دیرپاب، به آسانی در هر جایی به دست نمی آید.

## فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی

معظم له در خصوص فرآیند پنجگانه بعد از صحبت در مورد مبانی و جهان بینی اسلامی اینگونه می فرمایند که :

«ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروع از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال اینها نیست؛ برخلاف آن برداشتهایی است که میبینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید با کلمه‌ی انقلاب بازی کنند! گاهی می‌خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بینظمی و بیسامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی‌خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشتهای غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالشهای دشوار و بدون زورآزمایی، امکانپذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال اینها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهییج عام و توده‌ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده میشود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته میشود. این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین میشود؛ با همین

شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا میکند؛ یعنی نظام اسلامی. بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی میرسد؛ یا به تعبیر روشن تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسؤولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسؤول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی میکنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیأت وزرا؛ یعنی قوای سه گانه، مسؤولان کشور، رهبری و همه. مرحله‌ی چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه کن میشود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می آید؛ جایگاهش در روابط بین الملل ارتقاء پیدا میکند؛ این میشود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی میشود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می آید.»<sup>۱</sup>

ایشان فرمودند که ما می خواهیم آن تشکیلات، آن حکومتی که این هدف ها را محقق کرده به وجود بیاوریم. بعد می فرمایند که شروعش از انقلاب اسلامی است، بعد نظام اسلامی، بعد دولت اسلامی، بعد جامعه اسلامی، بعد

دنیای اسلامی، که بعد فرمودند یک جایی امت اسلامی، جای دیگر فرمودند تمدن بین الملل اسلامی، جای دیگری فرمودند تمدن نوین اسلامی، همچنین تمدن ایرانی اسلامی. تمدن اسلامی ایرانی تعبیر کردند. همین تعبیر تقریباً یک معنا دارد، با تفاوت هایی که در جای خودش توضیح دارد. بعد فرمودند که خب، ما کدام مرحله هستیم. فرمودند ما در مرحله دولت اسلامی هستیم. همین تعبیری که شنیدید سال ۷۹، سال ۹۶ هم دوباره این را شنیدیم که فرمودند همه باید تلاش کنیم که برای مسئولیت ها، خودمان را با الگوی اسلامی منطبق کنیم. دین مان، تقوای مان، رعایمان نسبت به حال مردم و غیره و غیره، چیزهایی که داشتیم که این بحث در قسمت نقشه اه دولت اسلامی اشاره می شود.

### پیروی از هوی و طول امل، عمده ترین خطر انقلاب اسلامی

ایشان می فرمایند عمده ترین خطر چیست؟ حالا که باید دولت اسلامی ایجاد کنیم، عمده ترین خطر چیست. این را توضیح می دهند و روایتی در پاسخ به این سوال می خوانند. «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَلْتَانِ: اتِّبَاعَ الْهَوَىِّ وَ طُولَ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىِّ فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخْرَةَ.» همین است. مخاطرات همین است. «اتِّبَاعَ الْهَوَىِّ وَ طُولَ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىِّ فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ»، پیروی از هوا، سد راه حق می کند در انسان. «وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخْرَةَ.» می فرمایند اول هواپرستی و هوس پرستی است. تعجب نکنید، به مسئولین می گویند، این مخاطره بر سر راه ما، هوس پرستی من و شماست. مسئولین اصلی نظام نشستند. از همه خطرهای بالاتر همان هوای نفس است که در ماست. غالب این گمراهی ها به خاطر هوای نفس است. ایشان دارند می کنند به شرایطی که در آن قرار داریم. در سال ۷۹. چه

تلاطم و چه مشکلاتی شکل گرفت. که شما می دانید اگر رجوع کنید به آن حوادث، بسیاری در ذهن شما می آید. البته ما برای خودمان، هزار رقم توجیه درست می کنیم. مسئولیم. آقا چرا این کار را می کنید، شما که می دانید کارت خطا است. هزار نوع توجیه برای خودش درست میکند. نامه برمی دارد می نویسد، آقا ببینید این طوری است، این طوری است. این وضع آن جا، این وضع آن جا، این وضع آن جا، این که من این ها را می زنم دشمن هم دارد می رقصد و شادی می کند و حرف من را تکرار میکند برای این وضعی است که در داخل است. این شد حرف، این شد توجیه! که ما یک حرفی بزنیم که دشمن شاد بشود، بعد بگوییم به دلیل این که همه جا بد است، همه جا به هم ریخته است. معلوم است هوس پرستی و هوا پرستی است.

برای این که از راه خدا منحرف بشویم و حرف و عمل مان غیر از آن چیزی باشد که شرع و دین برای ما معلوم می کند. امروز شرع و دین به ما می گوید باید این نظام را حفظ کرد. مگر تو طرفدار امام نیستی، مگر نمی خواستی خط امام را تبیین کنی، مگر نشنیدی امام گفت حفظ نظام واجب واجبات است، چی شد این حرف؟ شما می خواستید سردهسته جریان تبیین خط امام باشید. این حرف یادت رفت. یادت رفت که امام فرمود حفظ نظام از حفظ جان امام زمان بالاتر است. این حرف ها یادت رفت. هزار جور توجیه درست می کنند برای خودشان.

طول امل، آرزوهای دور و دراز، تلاش کن برای این که فلان طور خانه ات را برای خودت درست کنی، این را به کی میگویند؟ دارند به مسئولان می گویند، سال ۷۹، دهه ۷۰، تلاش کن و مقدمات را فراهم کن برای این که به فلان مقام برسی. این طول امل است، این مسئول، این آدمی که امروز دارد



می شود عبرت ما و انشالله ما عبرت بعدی ها نشویم، این آدمی که داریم می بینیم که این طول آرزوها چطور او را وادار کرده که آخرت را فراموش کند. دروغ می گوید. حرکت این ملت را به تاخیر می اندازد. چه جوری یک کسی می تواند در آخرت جواب هشتاد میلیون آدم را بدهد. نمی داند لابد خیلی اعتماد به نفس دارند. تلاش کن، زید و عمر را ببین، هزار نوع مشکل را پشت سر بگذار، تا برای این که فلان سرمایه را برای خودت فراهم آوری و فلان فعالیت اقتصادی را در مشت بگیری. خاصیت این هدف ها *فَيْسِي الأَخِرَة* است. آخرت را از یاد می برد، دائما انسان مشغول هدف های حقیر می شود. بله. مسئولین، آن هایی که شدند، می بینید دیگر چه خبر است، چه گرفتاری هایی برای خودشان و برای کشور و برای آبروی نظام و برای کشتن این امید مردم درست کردند. چرا؟ گرفتار هدف های حقیر. وقتی انسان آخرت را فراموش کند، دل انسان را می میراند، میل به دعا، تضرع و توجه را برای این انسان باقی نمی گذارد. امروز بهترین چیز، از این جا به بعد، حالا این ها عرض میکنم ذیل این بحث است، ولی در جای خودش پایه هایی است برای بحث های بعدی. چون بحث ما نقشه راه هم بود.

### **مردم سالاری دینی، ملاک تصحیح اخلاق، رفتار و منش مسئولان**

ایشان بعد از این بحث می فرمایند که :

«امروز بهترین چیزی که ممکن است ما بتوانیم برای تصحیح اخلاق و رفتار و منش خودمان - یعنی مسئولان کشور - ملاک قرار دهیم، مردم سالاری دینی است؛ همین چیزی که بارها گفته ایم و تکرار شده است. نباید اشتباه شود؛ این مردم سالاری به ریشه های دمکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما

دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه. خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است.»<sup>۱</sup>

نقشه راه. بر پایه مردم سالاری دینی، ما می توانیم دولت اسلامی ایجاد کنیم. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست. این دموکراسی اسلامی نیست. دموکراسی را از آن طرف بگیریم و اسلام را هم از این طرف و این ها را بچسبانیم، ملقمه ای درست کنیم. ما تکیه بر مردم را از مبانی مان گرفتیم، این جا هم گفتند مبانی را. ما به دلیل این که مردم را دارای کرامت ذاتی می دانیم و احترام آن ها را واجب می دانیم به خواست شان تمکین می کنیم. و چون این مردم را خدا خواه می دانیم، فطرت این مردم را الهی می دانیم، با هدایت، می دانیم این مردم روز به روز رشد می کنند. شما این رمز صبر امام، امام راحل و امام حاضر را و این انتخاب های مردم می بینید، همین جاست. چون این مردم رشد می کنند. بالاخره هر بار یک اشتباهی و این اشتباه اصلاح می شود، البته به شرط اینکه عامل هدایت گر وارد بشود که این در نقشه راه خیلی مهم است این بماند.

مردم سالاری دینی فقط دو سر دارد. ما مردم سالاری دینی تا پای صندوق داریم. بعد از صندوق، مردم دیگر سالار نیستند. و بعد هم وقتی این رای را گرفتیم، چهار سال، این رأی را به رخ می کشیم. یعنی اتفاقی که پای صندوق افتاد مایل می شود که برای ما چهار سال بگیریم و بزنیم در سر مخالف، که بعضی مردم که به شما رأی ندادند، یادمان است دوم خرداد یادمان است، که چه می گفتند. پیام دوم خرداد را درک نکردید. آن موقع می گفتند. الان هم هست، یک خرده معتدل تر. اعتدالی هست. مردم سالاری تا پای صندوق. بعد از

صندوق چی؟ می فرمایند یک سر مردم سالاری، تشکیل نظام به وسیله اراده و رای مردم است. این مهم است. مردم بایستی بخواهند، بشناسند، تصمیم بگیرند و انتخاب کنند تا تکلیف شرعی در باره آن ها منجز شود. ببینید چقدر روشن تکلیف ما را دارند معلوم می کنند. شما یک کاری کنید مردم بخواهند. برای خواستن کاری کنید مردم بشناسند و بعد تصمیم بگیرند انتخاب کنند. این هاست مایه ها. این هاست کارهایی که ما نمی کنیم. ما شب انتخابات بدو بدو، بدو بدو. می گوئیم یک ماه بیشتر نیست دیگر، زندگی را بگذاریم، برویم در ستادها شب و روز بگذاریم و بعد هم فکر میکنیم واقعاً شق القمری می شود. من دهه ۸۰ را می گویم که چه اتفاقی افتاد که واقعا همان یک ماه وقت گذاشته شد و آن اتفاق افتاد. ولی فکر می کنیم همیشه این اتفاق می افتد. اصلاً نگاه نمی کنیم وضع فکری جامعه چیست. شب انتخابات. در تعبیر یکی از بزرگان می گفتند که ما می خواهیم اسب را پای گردنه آب بدسیم، شکم این اسب را پر آب می کنند بعد می خواهد این اسب بکشد بالا. خوب نمی رود بالا. شب انتخاباتی، مثل شب امتحانی عادت ما ایرانی ها هست، شب انتخابات بهش اضافه شده، مگر می شود مردم در شب انتخابات بشناسند و اراده ی انتخاب پیدا کنند. نتیجه همین رای است که مردم به کی رای می دهید؟ مردم به کی رای می دهند؟ من رایم سوخت نشود، از بین نرود. استدلال این است. این وقتی خرده افکار در ذهن مردم است، نتیجه اش این است که تکلیف شرعی در مردم منجز نیست. مردم را نباید سرزنش کرد. ما می کنیم. این مردم چطور باز رای دادند، مگر ندیدند. این بیان آفاست. می فرمایند برای این مردم تکلیف شرعی منجز نشده است. چون هدایت گران به وظایفشان عمل نکردند. این قسمت مردم سالاری تا پای صندوق.

سر دیگر قضیه مردم سالاری این است که بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند ما در قبال وظایف آن‌ها وظایف جدید و حقیقی داریم. قسمت دوم این است که حالا نوبت ماست که به وظایفمان عمل کنیم.

فصل سوم

نقشه‌ی راه تحقق اهداف  
انقلاب اسلامی



## نقشه راه حرکت انقلاب اسلامی

سال ۷۰، در دهه فجر، مهمانان خارجی دهه ی فجر، دانشمند سوری بعد از تقدیر از انقلاب اسلامی و ابراز علاقه فراوان نسبت به این انقلاب، می گوید شما می خواهید چکار کنید از این به بعد، بعد از جنگ و بعد از امام. آقا می فرمایند من به شما می گویم. ما راه طولانی را آمدم، راه طولانی را طی کردیم، اما راه طولانی تری در پیش داریم. سال ۷۰.

مضمون مطلب به این شکل هست که موانع را برای حرکت به سمت دولت اسلامی، جامعه اسلامی و دنیای اسلام برداشتیم. یعنی چه برداشتیم؟ یعنی موانع غیر قابل عبور، که توسط کی برداشته شد؟ توسط انقلاب و نظام. ما تا شاه را این جا پایین نمی آوردیم، نمی آوردند مردم، نمی شد برویم سراغ نظام اسلامی. تا مردم این نظام را، یعنی نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی را تاسیس نمی کردند، نمی شد دولت اسلامی ایجاد کنیم. نظام دموکراتیکِ چی چی، نظام سوسیالیستیِ چی چی درست می کردیم، می شد از توی آن نوع نظام، می شد دولت اسلامی در آورد؟ انقلاب آمد این دو مرحله را پشت سرگذاشت، مانع عمده را برداشت. انگشت اشاره به سمت دولت اسلامی، سال ۷۰. نه ۷۹.

همین جا نقشه راه را به ما می دهند، همین جا مخاطرات را می گویند. همین جا توشه راه را مشخص میکنند. بعد از این مطلب می فرمایند اولین و مهمترین کاری که در پیش داریم تحول معنوی و روحی عمیق انسان هاست.

ما متأثر از تربیت طاغوت هستیم. کی‌ها؟ انقلابیون، کی‌ها؟ یاران امام، انقلابیون صدر اول. کی‌ها؟ آن‌هایی که در زندان‌های شاه، با شاه مبارزه می‌کردند متأثر از تربیت طاغوت هستیم. به اندازه یک نفسی که در زمان طاغوت کشیدیم، ما این بار حاکمیت طاغوت را حمل می‌کنیم تا ازش خلاص بشویم. این باید تغییر کند. این با تحول معنوی و روحی اتفاق می‌افتد. بله، انقلاب و جنگ تحول معنوی ایجاد کرد، معجزه هم بود اما کافی نیست.

### مرحله دولت اسلامی

مرحله دولت اسلامی را باید گذرانند. باید از آن عبور کرد. ما اهل شبهات و نظری پردازی و این‌ها هستیم. دولت اسلامی که حد ندارد. تا زمان ظهور می‌تواند ادامه پیدا کند. یعنی چه مرحله دولت اسلامی؟ در بیان رهبری تعمق کنید. اگر جوابش را پیدا نکردید قبول دارم. ولی بیان شده است. یعنی نصاب کمی و کیفی مسئولان که بتواند جامعه اسلامی نمونه مقدر عصر غیبت را محقق کند. یعنی کف دولت اسلامی را شما رسیدید، از این مرحله عبور کردید. من به عنوان رهبری اعلام می‌کنم. همان‌طور که در مورد دو مرحله قبل، بارها اعلام کردم که از مرحله اول و دوم با موفقیت عبور کردیم، می‌فرمایند خواهیم آمد و می‌گوییم امروز نوبت تشکیل جامعه اسلامی است. این معنی گذشتن از مرحله دولت اسلامی و عبور کردن از این مرحله است. این که حالا یک عده به خاطر این که در جامعه ما این ظاهر غیر اسلامی از بین نرفته، یک جاهایی بیشتر هم شده، پای اصل انقلاب می‌گذارند؛ بله، انقلاب هم نتوانست، مثل این که نمی‌شود، پس بیاییم یک خرده مدارا کنیم، سختگیری نکنیم. حالا یک زمانی این حرف‌ها را ما طلبه‌ها داریم می‌زنیم، مردم نمی‌زنند. از توی آخوندها این حرف‌ها در میاد که اشتباه بود، الزام به



حجاب در جامعه. ازش سوال می کند کی این اشتباه را کرد. میگوید اجازه بدهید من سکوت کنم. کی ملزم کرد اول انقلاب به حجاب؟ امام. می بینید. شکستن امام دارد از حوزه توسط کسانی که حالا سابقه امام دوستی انقلابی هم دارند پیش می آید. حجاب را اختیاری کنید. چرا؟ چون زورتان نمی رسد، مردم هم فهمیده اند و حریف نمی شوید. آخر مجبورید با فضاقت قبول کنید. پس بیایید خودتان این کار را بکنید، شاید مردم برگردند. چقدر ساه لوحانه. این اولین قطعه دومینو است. که اگر افتاد معلوم نیست تا کجا خواهد افتاد. حجاب اختیاری تا چه حدی؟ چقدر از سطح بدن را شما می پذیرید و چه حدی اگر بگذارد نمی پذیرید؟ می توانید جلوی شما را بگیرند؟ این پوشش. رفتار چه؟ چه نوع رفتاری را می خواهید بگویید از این جا به بعد ما می ایستیم. می توانید؟ بعد هم مگر شما فقط با مردم سروکار دارید. این مردم و این جامعه، این درهای بازش به سمت غرب، و این جاسوسها و نفوذی ها و شبکه ها همه این ها، حمله برای این که موانع را یکی از بعد از دیگری، به زعم خودشان بریزند و بعد هیچ نماند. روحیه ای هم نماند. ببینید چقدر ساده لوحانه، چرا؟ چون نمی آیند اصل را ببینند، چون نمی آیند این بیانات را ببینند، چون نمی آیند این ها ببینند اشکال کار کجاست.

اشکال کار که در جامعه، مسئله حجاب حل نشده است، این است که در دولت اسلامی حل نشده است. خانم قبل از مسئولیت عالی اجرایی، بدحجاب، در کنار مسئولین عالی اجرایی، با چادر، که مسخره اش هم می کنند، و بعد از مسئول، جدا می شود یک مسافرت، جای دیگر هم می رود، با مانتو و روسری. این تمسخر نیست. این نمی گوید که بابا باید یک چیزهایی را، مردم ما همین جوری فعلا بگذرانیم. این ها را حالا، حرفشان را گوش کنیم، این ها

حل خواهد شد. این پیام ندارد؟ این مسخره کردن حجاب نیست. کی دارد این کار را می‌کند؟ مسئولین دارن این خط را می‌دهند که حجاب مهم نیست. دولت اسلامی تشکیل نشده، به همین دلیل مسئله حجاب در رفتار اسلامی مردم حل نشده. و دولت اسلامی را می‌توان تشکیل داد، جمع بشوید، همه اهتمام کنید برای تشکیل دولت اسلامی. بروید آن قله را بگیرید. چرا پهن میشوید در دشت. که هی تلفات بدهید. بروید قله را بگیرید، به قول نظامی ها، نقطه سرکوب را دستتان بگیرید، خواهید دید که دشمن جمع می‌کند و عقب می‌نشینید، می‌رود. چون سرکوب می‌شود. چون شما وقتی روی قله هستید اشراف دارید بر کل کشور. می‌گویید تمام پایگاه های دشمن را، امروز پایگاه های دشمن پایگاه های واقعی پایگاه های فیزیکی و واقعی در کشور راه افتاده که همه اطلاع ندارند. دارند برای دولت بعد از جمهوری اسلامی کادر تربیت می‌کنند، به سبک آمریکایی، به سبک غربی. غذا چه باشد، پوشش در مرحله کار، در همین جمهوری اسلامی، پوشش زن چه باشد، عریانی زن تا کجا باید باشد، استفاده از اینترنت، استفاده از استخر، همین شیوه های شبیه تربیتی که ما این طرف بلا تشبیه داریم که می‌خواهیم انضباط بدهیم، می‌خواهیم تربیت کنیم، آن ها مناسب فرهنگی خودشان دارند تربیت می‌کند در همین جمهوری اسلامی. این ها چه جوری آمدند، این ها از کنار غفلت مسئولین آمدند پخش شدند در این جامعه. دولتمرد اسلامی چشم بیدار اگر در این جامعه، دائما رصد کند و بعد برود سراغ این ها، سرکوب کند، این ها جمع می‌کنند بساطشان را. ما داریم از غفلت او شکست می‌خوریم در جمهوری اسلامی. داریم از سستی مسئولین خودمان، از خودمان داریم شکست می‌خوریم. این را بردارید، این را علاج کنید.

دولت اسلامی درست کنیم حجاب درست می شود. چرا در ۴۰ سال نشده؟ چون ۴۰ سال است، شما ۳۸ سال است رهبری گفته دولت اسلامی که در قسمت بعد می گویم، گفته دولت اسلامی، شما توجه نکردید. آن وقت می گویند چرا نشده، به این دلیل نشده. آن وقت شروع می کنند به وادادگی. وادادگی در عمق این حوزه ما دارد، نفوذ می کند و کرده یک جاهایی.

مراقب باشیم که این وادادگی دامن ما را نگیرد. این موریانه در پیکر ما نیاید. چشم بر هم بذاریم می بینیم ما هم شل شدیم. حالا، آقا دارد، حالا. دیدید دیگر. آقا بلند شوید، کاری بکنید. آقا باید دید مصلحت هست یا نه. آقا این زندگی را ترک کنید، این زندگی عادی را. تلاش، مجاهدت، مبارزه. درس را چه کار کنم؟ آینده ام را چکار کنم؟ خانواده را چکار کنم؟ عناوین آینده علمی را چکار کنم؟ من میخوام مجتهد شوم، ایشالله مثلا مرجع تقلید شوم. بتوانم به این انقلاب کمک کنم. تا آن موقع باش. تا نوبت شما برسد که آن وقت ببین آن موقع که مرجع شدید در این بستر غفلت، به داد این انقلاب میرسید؟ از آن مسیر تو می آیی کمک می کنی به این انقلاب، تا به خودت نگاه میکنی می بینی عمرت تمام شده، تو هم در این محافظه کاری، که قاتل انقلاب است گرفتار شدید. این وضع ماست. ما آن جایی که باید عملیات کنیم نمی کنیم. ما داریم، نقشه عملیات داریم، برای این که برویم و غلبه کنیم. مثل جنگ است، مثل جنگ نظامی است. فرقی نمیکند از جهت اصول، توجه ندارد. البته باید این ها روشن شود، این اجتماعات، منتها بر اساس این بیانات، براساس این راهنمایی ها. این اجتماعات می تواند همبسته شوند. و بعد تمامی آن عوامل لازم را که هنوز نگفتیم و نمی رسمیم امشب این بحث ها را مطرح کنیم، فراهم بکنند برای یک رزم، برای یک مبارزه‌ی از

طریق جهاد کبیر نه جهاد اصغر.

اقتضائات جهاد کبیر چیست، که اشاره بهش میکنم، رد میشوم، در اواخر عرایضم. اقتضائات جهاد کبیر را ما باید تامین کنیم، ما خودمان را آماده رزم کنیم. خوب، این‌ها با آن پایه‌هایی که گفته شد، با آن پایه‌های معارفی، با آن پایه‌های معنوی در این نقشه راه وجود دارد، ایجاد می‌شود. اگر واقعا کسی خودش عبد خدا دید، عبد از خودش اختیار دارد، در اختیار ارباب است، هر طور او می‌خواهد خودش را آماه میکند. آن وقت این اتفاق می‌افتد.

این مسائل آقا در این سخنرانی، که تمام شد تقریباً. حالا دیگر بحث‌ها مانده عرض کردم چهار قسمت کرده بودم. این قسمت‌ها را دیگر خیلی سریع می‌گویم. ببینید آقا چرا سال ۷۹ این حرف را زد؟ قبلش چه وضعی بود؟ چه گفت ایشان؟ بیانات آقا در این زمینه که اصلی‌ترین مسئله آقا است، این دغدغه ایشان است، این اهتمام ایشان است، مسئله تحقق دولت اسلامی تا تمدن اسلامی. اگر کسی از این حقیر بپرسد شما به نظرتان فکر شب و روز آقا چه است؟ عرض می‌کنم امروز دولت اسلامی. که ما از این عقبه، از این گذرگاه عبور کنیم. گیر کردیم. تعبیر را دیدید. در دولت اسلامیش ماندیم. دغدغه آقا این است.

### مشکل عدم تربیت معنوی

دولت اسلامی سخت تر از انقلاب و نظام است، لذا تحول معنوی عمیق تری لازم دارد. کی سال ۷۰. این دستور کار مسئولین نظام قرار گرفته؟ دستور کار مجموعه فرهنگی قرار گرفته؟ مجموعه فرهنگی سراغ چه چکارهایی رفته اند. آیا فهمیده اند تحول معنوی یعنی چه؟ آیا راه تحول معنوی را شناخته اند؟ آیا می‌شود با برگزاری صرفاً دعا و مجالس دعا و عزاداری تحول معنوی ایجاد

کرد؟ آیا می‌شود فقط با استمداد از فضای شهادت و ارزش های شهدا تحول معنوی ایجاد کرد؟ این راه تحول معنوی، راه نیست، یک حرفه، یک پیشه، یک روش نیست. چیست این؟ این سوالات مطرح شده است؟ فکر می‌کردیم بله دیگر، الحمد لله مجالس دعا و عزاداری و بزرگداشت شهدا برقرار است و بالاخره حال‌ها متحول می‌شود، دگرگون می‌شود. بعد نگاه نمی‌کردیم از مجلس که می‌رویم دو روز بعد دوباره همان احوال برمی‌گردد. پس معلوم می‌شود در این روش‌ها مشکلی هست. این‌ها خوب است، این‌ها موعدها است، اما این نیست آن راه اصلی.

آن راه اصلی چیست؟ این رویش فکر نشد. شیوه‌های فرهنگی یکی بعد از دیگری نتوانستند موفق شوند در این مسئله. می‌بینید. این نسل‌هایی که تربیت شدند در این چند دهه، انقلابیون، به کجا رسیدند انقلابیون؟ بله. در انقلابی بودن، در تند بودن، در پرحرارت بودن، بله ما خیلی خوب بودیم. اما وقتی کار سخت شد، چه کار کردند این انقلابیون؟ شروع کردند به رفتارهایی که یک انسان بر اثر بی‌صبری می‌کند. صبر، محصول و میوه معنویت، شتاب زده نبودن، کسالت نداشتن، در کار تلاش مبارزه.

خب آمدند یک دوره داغ و پرحرارت، یواش یواش کم آوردند. بعد هم نمی‌خواهد بگوید کم آوردم، زده به جدول همین‌طور خرکش دارد جلو می‌رود. برای این که افت دارد برایش بگوید من کم آوردم. بسمه تعالی. من دیگر انقلابی نیستم. حوصله‌ام سر رفته از انقلابی بودن. این را نمی‌گوید. چکار می‌کند؟ می‌گوید تقصیر تو است. تقصیر تو است. تقصیر این است. شروع میکنند حرارت انقلاب‌گری‌اش را افزایش می‌دهد. با چه؟ با راه‌های غیر متعارف شرعی. فکر میکنند وقتی نمی‌تواند واقعیت را عوض کند، مثل

آن پادشاهی که شلاق می زد به موج ها فکر میکند دارد موج ها را تهدید می کند. این اتفاقات می افتد. بعد یواش یواش داریم می بینیم این ها را، بین انقلابیون، ما غرغرهایی می شنویم که نباید بشنویم. چرا آقا کسی به فکر نیست؟ چرا آقا یک کاری نمی کنند؟ اصلاً تمام این سنت ها و تمام این معارف همه این ها را زیر پا می گذارد، می خواهد آقا مثل یک قهرمان فوق انسان که ائمه و پیامبران هم این طوری عمل نکردند، بیاید بگیرد و ببندد و عزل کند و نصب کند و چه بکند و چه بکند، همه چیز را حل کند. و چون نمی کند، یواش یواش می بینید یک آدم انقلابی نسبت به ایشان.

این است مشکل معنویت، این است عدم تربیت معنوی، بی صبری، شتاب زدگی، لجاجت در اشتباهات. من انقلابی، خدا قبول کند، رفتم تلاش کردم، یک جایی اشتباه کردم. خدا می بخشد. اما دیگر اصرار نکنم بر اشتباه. چرا اصرار می کنم؟ برای این که افت دارد. اگر من بگویم من اشتباه کردم، این ضد انقلاب آتو می گیرد از من، و موجب تضعیف جبهه انقلاب می شود. ببینید هزاران توجیه و بهانه تراشی برای این که عمل خودمان را توجیه کنیم، این جا پیدا می شود. بگو بسمه تعالی اشتباه کردم. مثل امام. مثل آقا. آدم بگوید اشتباه کردم، کوچک می شود؟ بذار هو و جنجال کنند، آن هایی که باید بگیرند، آن هایی که باید بفهمند، می فهمند. خدای متعال هم به تو کمک می کند کافی بالله وکیلا. این هاست معنویت. خب این راه را نفهمیدیم. البته اگر مراجعه می کردیم و بکنیم به رهبری، این ها را گفتند. راه را هم دقیق مشخص کردند.

از همین حوزه هم این راه بیرون آمده است. این را باید شناخت. معنویت درست را باید شناخت. این معنویتی که امروز در این جامعه ما هست، در بین

این مجموعه ها، معنویت خیالی و وهمی، معنویت من در آوردی، چون استاد ندیده، چون آدم پیدا نکرده، چون مربی نداشته، واسه خودش رفته از این طرف و آن طرف، استعداد و هوش هم داشته، رفته یک کارهایی کرده، یک قابلیت های پیدا کرده و معرکه گرفته و یک عده هم دورش جمع شدند. یک دفعه می بینید که یک کشور، در خدمت این آقا قرار می گیرد. مردم به یکی رأی می دهند، او دلش پیش کس دیگر است. معنویت های من در آوردی، چون حوزه نیامده این راه را پیدا کند و این راه را ترویج کند و آدم ها باور می کنند. این در مقابل معنویت آگاهانه، مبتنی بر معارف توحیدی، با تکیه بر یک جریان اصیل هدایت گر حوزوی، هدایت گر معنوی، همانی که آقا بعدها فرمودند جریان خاص الخاص. در آن همایش در آن دیدار و گردهمایی برای بزرگداشت مرحوم آیت الله قاضی، آقا این تعبیر را کردند. خب این جریان خاص الخاص را بشناسیم. آقا می فرماند این برای حوزه و طلبه و چهارتا طلبه نیست. برای همه جوانان است. یعنی تعمیم معنویت اصیل، امروز در جمهوری اسلامی ممکن است.

### دعوت به سوی دولت اسلامی

اولین و مهمترین کاری که ما در پیش داریم تحول معنوی است، سال ۷۰. در عرصه دیگر یعنی دو، ما به فهم اسلام، به شکل کارساز برای حل مشکلاتی که بشر دارد نیاز داریم. بشر دارد، نه فقط ما خودمان. گلیم خودمان را از آب بکشیم که الان نکرديم، در آن مانديم. وقتی آقا می فرمایند در دولت اسلامی مانديم یعنی در اقتصاد اسلامی مانديم، یعنی در فرهنگ اسلامی مانديم، یعنی در سیاست ورزی اسلامیش مانديم. ترجمه اش می شود این ها. اسلام برای این ها راه ندارد؟ کارساز نیست اسلام برای این ها، کارآمد نیست؟ می فرمایند این

هم دومی. خب حالا شما بفرمایید حوزه کجا این پیام را گرفت. این سال ۷۰. سال ۷۰ تا ۷۹ حدوداً فصل اول این دعوت به سمت دولت اسلامی توسط آقا شکل گرفته، پر از مطالب است که اگر فرصتی بود این ها را می گفتیم و چون جمع شده این ها یک جاهایی، شما می دیدید سال به سال، قدم به قدم، از هفتاد تا هفتاد و نه، آقا آنی که گفتند خودشان دنبالش راه افتادند، پیگیری کردند و این ها را دنبال کردند. فقط تیرتار این ها را بخوانیم.

ببینید سال ۶۹ فرمودند نجات قدرت معنوی انسانی از گِل لای شهوات. سال ۶۹. حالا این بحث های تهاجم فرهنگی ایشان است، اگر برسیم. سال ۷۰. آیا می خواهیم مترف شویم؟ در کنار بحث دعوت به دولت اسلامی، مخاطرات را می گویند.

سال ۷۱ عبرت های عاشورا. دو عامل باعث و انحراف عمومی شده. یکی فراموش کردن خدا و معنویت. دوم دنیاطلبی و فراموش کردن آرمان ها. حسین این طور به مسلخ رفت.

سال ۷۲. مراقب خطر جدی و فلج کننده رسوخ و نفوذ فساد باشید.

سال ۷۲ امروز همه داد می زنند فساد. لحظه امتحان است مراقب باشید. میکروب ارتجاع و بازگشت، دشمن بزرگ انقلاب است.

سال ۷۴ دوران جهاد اکبر است، دوران چرب و شیرین دنیااست. موج مخرب مهارناپذیر دنیاطلبی که حتی با زهد و عدل علوی هم نشد باهاش مقابله بشود و از دانشجویان پاک نهاد استمداد می کنند. می فرمایند دورانی بسیار سخت، بسیار خطرناک است، دوران لغزش و انحطاط اکثر انقلاب هاست.

سال ۷۴، دوران فرونشستن شور و هیجان های اولیه است. به روحانیون می گویند دوران موسم خطرناک میوه چینی است، مواظب دزدان باشید، روایات



زهد بخوانید. خطر رواج دنیاطلبی و فساد و فحشا را در این سال ۷۴ تذکر می دهند.

سال ۷۵ پاسخ یک سوال، بعد از چهار سال در بحث عبرت های عاشورا، می فرمایند مشکل، در خواص بود. خواص دچار ویژه خواری شدند، ویژه خواری شد خشت اول کربلا. ثروت های بادآورده در این سال. نوسازی معنوی همراه با عدالت خواهی.

سال ۷۶ نیازمند یک تحول اخلاقی عمیق برای تحقق عدالتیم. چاره آن است که خود را بازیافته و بسازیم. آیا یک طبقه ممتازه و یک اشرافی گری جدید در حال شکل گیری است؟

سال ۷۶، الان سال ۹۶ است. ۲۰ سال از این حرف گذشت، طبقه اشراف شکل گرفت، قوی شد، آقایان بعضی از آقایان آمار می دادند می گفتند ۵ هزار نفر از افراد در این کشور هستند ثروت بالای ۱۰۰۰ میلیارد تومان دارند. بعضی هایشان ثروتشان ۲۰ هزار میلیارد تومان است. با این می شود خیلی آدم ها را خرید. با این می شود خیلی فتنه ها درست کرد. خیلی کارها می شود با این ثروت کرد، خیلی ها را می شود آلوده کرد، این اتفاق افتاده امروز در جامعه. سال ۷۶ و ۷۷. ثروت های بادآورده و تشکیل طبقه جدید را هشدار دادند. این آب از سر چشمه منحرف شد و سرازیر شد، آن جا گفتند که جلوی این آب را بگیرید سرچشمه. با یک بیل می شد گرفت. امروز با فیل باید جلوی این را گرفت و می شود گرفت. امروز هم می شود این کار را کرد.

### **منش و روش کارگزاران در بیان حضرت امیر(ع)**

حضرت امیر(ع) می فرمایند: سر مردم منت نگذارید، در گزارش کارها مبالغه نکنید، خلف وعده نکنید، ویژه خواری نکنید، این ها وظایف شماست

و در انتخاب حق افراط و تفریط نکنید. این بلایی است که متأسفانه ما دچارش هستیم. گاهی اوقات افراط می‌کنیم و بعد تفریط میکنیم. عدالت گستر باشید. رضایت عامه مردم را در مقابل رضایت خاصه به دست بگیرید. ولو این که خاصه از شما ناراحت بشوند. سوخت خاصه را بخرید، به قیمت رضایت عامه. این‌ها بیانات حضرت امیر است. این درست.

بعد می‌فرمایند پس مردم سالاری فقط این نیست که انسان تبلیغات و جنجال کند، عده‌ای را پای صندوق بکشاند، رای از مردم بگیرد و بعد هم خداحافظ. در این انتها می‌فرماید از خدا بخواهید و خودمان مجاهدت کنیم که بتوانیم در این ماه رمضان یک کارگزار اسلامی واقعی مسئول باشیم. اصلاً نمی‌شود تحمل و قبول کرد ما اجازه دهیم این فسادها در بین ما رواج پیدا کند. این مجاهدت‌ها باید بشود، این اصلاح‌ها باید صورت گیرد. اولین قدم اصلاح که اصلاحات گفته می‌شود اصلاح درونی خود ماست. ما باید خومان را از این روش‌ها و منش‌ها و رفتارهای غیر اسلامی خلاص کنیم، نجات دهیم. اگر این کار صورت گرفت آن‌گاه پیشرفت کارها ممکن خواهد شد. در این ماه رمضان از خدای متعال توفیق بخواهید و دعا کنید ما بتوانیم این مرحله را نیز بگذرانیم. کدام مرحله؟ مرحله دولت اسلامی.

### جریانات و پایان پروژه انقلابی گری

سال ۸۶ اعلام شکست و پایان پروژه انقلابی گری را اعلام کردند. این اتفاق سال ۹۰ نیفتاده است. سال ۸۶ آشکار شده است. از سال ۸۴ شروع شد. آن‌هایی نزدیک بودند دیدند این مسائل را. انحراف‌های ذره ذره در همان ابتدای کار دیده شد. سال ۸۶ اعلام کردند نمی‌شود. پرچم دولت اسلامی دست گرفتیم، جلو رفتیم، خوردیم به صخره به ظاهر خیلی مستحکم استکبار. گفتیم نه،

دولت اسلامی هم تا زمانی که استکبار این جا دارد مقاومت میکند، شکل نمی‌گیرد. شعار دولت اسلامی مال تو نبود. شعار دولت اسلامی این سابقه اش است. شعار دولت اسلامی توسط او، بین مردم پخش شد و مردم امیدوار شدند و این امواج مردم، کاندیدا و گزینه اش شما شدید و این پرچم را هم زمین گذاشتید. این مال کی است؟ مال قبل از ۸۸ است. آن سال ها این حرف ها زده شده، پایان پروژه انقلاب، پایان پروژه دولت اسلامی، پایان پروژه عدالت خواهی، نتیجه؟ سال ۹۶.

ما به این نتیجه رسیدیم که تا آزادی نباشد عدالت محقق نمی‌شود. سلام خاتمی. سال ۹۶. خاتمی هم همین حرف ها را می‌زد. شما خیلی هنر کردید. ده سال، چقدر، بیشتر، دوازده سال، تازه رسیدید به سرخط آن ها. این می‌شود وضعیت. این یک جریان. امروز وضعیت این طور است.

همان جریانی که آقا ۱۰ سال هشدار داد، بانیان فساد، آن هایی که اساس این ظلم را گذاشتند، این ها امروز در بحث فساد دارند شعار مبارزه با فساد می‌دهند. امروز دزدها شعار آبی دزد دارند می‌دهند. این جوان بی‌خبر از این سابقه، متحیر شده است که کی دزد است، کی نیست. می‌گوید همه دزدید. نتیجه اش این می‌شود که از انقلاب می‌برند. آن جریان امروز پرچم آبی دزد بلند کرده است. دیدید دیگر. حقوق های نجومی، املاک نجومی. این مثال واضح بود که خودشان را رسوا کردند.

در همه قضایا این وجود دارد. آن هایی که دزدیدند، آن هایی که این تعبیری که آقا گفتند، دست در بیت المال کردند، دست در صندوق های کردند، رفتند از این ویژه خواری ها کردند و ثروت هایشان به بالای هزار میلیارد و بیشتر و بیشتر رسیده، این ها امروز مسلط اند بر خیلی جاها. دستگاه های تبلیغاتی،

هنر پیشه و سلبریتی می‌خرند و این را بعضی از این مردم هم چشمشان به این ظواهر، جریان درست می‌کنند. ایام انتخابات، این لشکر شکست خورده مفلوک سلبریتی‌ها راه می‌افتند و برای این‌ها رأی جمع میکنند. چرا؟ چون پول جمع شده است، چون این پول‌ها خرج می‌شود، خرج این‌ها می‌شود، این‌ها بنده دنیا هستند. با مزه این است که امروز این‌ها شعار آید دزد دارند می‌دهند، مبارزه با فساد دارند می‌دهند، آن وقت وقتی می‌روید سراغ یکی از نزدیکان، تهدید می‌کنند، اعلام جنگ می‌خواهند بکنند و بعد تخطئه میکنند مبارزه با فساد را، که حالا این‌ها کی با فساد مبارزه می‌کنند هم یک ماجرای است امروز، آن بماند فعلاً این اصل مسئله را دریابیم.

آن جریان هم که گفتم جریان کم‌استقامت، بریده، و می‌گوید همه بلند ما خوبیم. پس چاره‌ندارید که دوباره حکومت را به ما بدهید. این هم یک جریان. یک جریان کم‌تجربه انقلابی هم چشم‌اش را باز کرده می‌بینید این اوضاع است، چشمش را بسته، همین‌طور دارد فریاد می‌زند. بابا چشم‌ت را باز کن، برو بخوان، گوشت را باز کن، بروی بشنو. ببین این تاریخ ۲۰، ۳۰ سال اخیر چه گذشته. همه را متهم می‌کنی. از آقا تا دیگران. این هم یک جریان. یک جریان علم و کتل دار حرفه‌ای و سنتی انقلاب، همیشه هست در حاکمیت و حوادث هم همین‌طور مشاهده می‌کنند، مشاهده می‌فرمایند. شما از این‌ها اثری می‌بینید؟ صدایی از این‌ها می‌شنوید؟ به اسم جریان‌های مثلاً انقلاب و ارزش و اصول و این حرف‌ها. خنثی و کم‌اثر. حالا آدم دل ببندد به این‌ها. تمام هنرش این است که نگاه می‌کند و نگاه می‌کند. آقا یک حرکتی، یک سری، صدایی، این مفاسد، این مشکلات، حرفی بزنید، شماها مصون هستید از خیلی پیگیری‌ها، مثل این جوان‌های پاپتی نیستید که

تا حرف بزنند برایش مشکل درست بشود، رودریاستی می کنند با شما. حرفی بزنید، کاری نکنید. هیچ صدا از این ها در نمی آید. و بامزه شب انتخابات، می خواهند گفتمان درست کنند. فکر میکنند گفتمان مثل بستنی است، شب بگذارید یخچال، صبح دریاوری. گفتمان، گفتمان سازی، این است.

یک جریان هم جریان دکان دو نیش. هم با این اند، هم با آن هستند. یک حزب ایران نوین بود، یک حزب مردم بود، زمان شاه. این ها وصفشان این بود آن موقع می گفتند حزب ایران نوین پاینده باد، یک کمی هم حزب مردم زنده باد. هم با این اند و هم با آن هستند. دست روی شانه این می گذارند، دست روی شانه آن می گذارند، و اموراتشان را می گذرانند، به خوشی هم دارد می گذرد. ایام به کامشان است. این انقلاب به نامشان است، به کامشان است. و دارند لذت می برند از صاحب منصبی. کیف دنیا را هم دارند می کنند. خطر هم نمی کنند. این ها هم هستند.

### یاران انقلابی امام حاضر پای انقلاب

چه کسی می ماند؟ این یاران امام حاضر انقلاب که باید خودشان را پیدا کنند، با این معارف، با این سازندگی هایی که گفتیم. این ها باید جمع بشوند، هستند، فراوان اند. همانی که رهبری وقتی این شرایط را می بیند به این ها می گوید بروید بزنید به خط، فرمانده ندارید، قرارگاه متمرکز ندارید، بروید جلو. چه جوری بروید جلو؟ حرف ها را گوش کنید و به تشخیص خودتان حرکت کنید. این است امیدهای رهبری که این حرکت اگر شروع بشود خود به خود خودش را می یابد و پیدا میکند و قرارگاه های واقعی تشکیل می شود آن وقت، از درون همین جریان.

شما می بینید این مردم و جوانان را بنیه دارند. در زلزله دو نوع مدیریت

شد. یک مدیریت بحرانی، مدیریت بحران، خودش مدیریت بحرانی است. می‌گوید آماده نبودیم. زلزله بی‌هوا آمد. نامرد. این یک جریان. یک جریان هم مردم، جوان‌ها، دیدید چکار کردند. این صحنه‌های پرشور که آدم با یک چشم اشک می‌ریزد برای این مصیبت زده‌ها، با یک چشم اشک شوق می‌ریزد به خاطر این رویش، این بالندگی و این طراوات انقلابی این مردم و این جوان‌ها. شما دیدید این صحنه‌ها را، در ماجرای پلاسکو دیدید مردم چه کار کردند. این مرم زنده‌اند. در ماجرای شهید حججی دیدیم همه این صحنه‌ها را. این‌ها هست. این‌ها سرمایه‌های انقلاب است.

ما هزاران حججی داریم به تعبیر آقا. هزاران حججی‌ها. نه امثال ما که همین جور حرف می‌زنیم. هزاران حججی در این کشور است. این‌ها را باید پیدا کرد. البته این حججی‌ها باید این‌ها را بخوانند، این‌ها را یاد بگیرند. این نیست که کسی همه وجودش را آماده فدا کردن در راه خدا قرار دهد، اما بدون دانستن این‌ها بتواند راه درست برود، راه موثر برود، موثرترین راه‌ها را برود. انفع کارها را انجام دهد. این‌طور نمی‌شود. باید این‌ها را دانست، باید معرفت داشت و با تکیه بر این معارف انقلاب که از این تربیون بلند و نورانی دارد در جامعه نور ایجاد می‌کند، این هزاران حججی، می‌توانند این کار کارستان را بکنند. آن حججی که آن‌طور عزتمندانه در یک صحنه، نشان داد عزت الهی را، و همه قلب‌ها را مجذوب خود کرد، همه‌را، صحنه بسیار معناداری بود، رهبر از همه زودتر فرمود این حجت خداست، این نشانه خداست.

دیدید مردم چه‌طور همه به حججی رای دادند. دیدید همه افراد با لباس و ظواهر مختلف، افکار مختلف، حتی آن‌هایی که تا دیروز راجع به مدافعان حرم حرف‌های می‌زدند چطور آمدند. انقلاب این است. شما حججی‌ها را

بیاورید در صحنه، مردم هم می آیند پشت سرشان. آن وقت این نتایج انتخابات خواهد شد. در ایام انتخابات، در صحنه انتخاب، این حججی ها بیایند مردم را آگاه کنند، بیایند به مردم شناخت بدهند، بیایند مردم را به وظایف انقلابی و شرعی شان متذکر بشوند، مردم خودشان تصمیم خواهند گرفت. این صحنه ای است که ما داریم. البته این بیانات آقا، بحث ۱۷ سال بعد، سال ۹۶ که در انتها پخش شد، این حرف آخر ماست.

### مبارزه ادامه دارد...

صحبت از تداوم مبارزه است. بنیید سال ۷۹ پایه مبارزه گذاشته می شود، قبلش گذاشته می شود، دوباره تذکر، دوباره همان، راه همان است، راه مبارزه است. انقلاب تداوم دارد. این را معنی کردند.

علت سختی این مرحله از انقلاب موانع داخلی و خارجی است که این جا خارجی را مطرح می کنند و لزوم مبارزه برای این که انقلاب حفظ شود و این که ما در مرحله سوم هستیم، ما دولت اسلامی نداریم، هنوز در دولت اسلامی اش ماندیم.

این یک مرحله ی جدید بیانات آقا است، در آن طبقه بندی که کردیم، از هفتاد تا هفتاد و نه یک مرحله است، از ۷۹ تا ۸۴ یک مرحله است، از ۸۴ تا اواخر دهه ۸۰، البته تا قبل از فتنه یک مرحله است. بعد از فتنه یک مرحله دیگر است. که قبل از این که این اتفاقات بیفتد، سال ۹۰؛ آقا مسئله پیری و فرسودگی نظام را، آقا به عنوان یک سوال مطرح کردند، در کرمانشاه، در بین دانشجویان کرمانشاه مطرح میکنند. سوال می کنند آیا نظام پیر و فرسوده می شود؟ آن جا توضیح می دهند می فرمایند فکر کنید روی این. سوال میکنند چرا این سوال را مطرح کردند، چرا در مورد بالندگی انقلاب صحبت نکردند.

چون یک فرسودگی‌هایی عارض یک بخش‌هایی از انقلاب دارد می‌شود. سال ۹۰‌ها. هنوز فضای دهه ۸۰ تغییر نکرده. ما دو سال بعد، فرسودگی را دیدیم. این ساختمان که یک جاهایی از آن پوک شده، این برای ما آشکار شد. این هم یک مرحله است.

این بیانات آقا در سال ۹۶، یک فصل جدید است. چون آقا هیچ وقت در مورد دولت اسلامی این طور صحبت نکردند. با دقت، تعبیر آقا دنبال شده است. هیچ وقت آقا نگفتند ما در دولت اسلامی ماندیم. تعبیرم این است در دولت اسلامی اش ماندیم. ببینید تعبیر را. این تعبیر جدید است. این تعبیر، تعبیر تلخ و گزنده که در فضای حزن آلود، آقا بیان کرده، آقا خیلی محزون بود در این دیدار. در این فضا، برای ما یک معنای جدید دارد یعنی ما را دعوت می‌کنند به فصل جدید. فصل جدید چیست؟ این که دیگر باید این حرف‌ها را آورد در صحنه سرای جامعه. تا الان این بحث‌ها در جلسات کوچک و محدود مطرح میشد و در طرح دراز مدت تر که همچنان هم باید ادامه پیدا کند، کار دنبال میشد. اما این بیان آقا دارد به ما می‌گوید یک وقت‌هایی گذشته، و دیگر نمی‌شود کاملاً مثل گذشته عمل کرد. امروز این بیان آقا به ما تکلیف دیگری را نشان می‌دهد و بدانیم هر موقعی تهدیدی و یک مشکلی توسط آقا مطرح می‌شود، در قبالش، در کنارش و بیش از تهدید فرصت وجود دارد و خود همین تهدید انگیزه برای ما شود که ببایم در این میدان، و ببایم این حرکت را راه بندازیم و این مبارزه را امروز معنا کنیم.

آخرین جمله آقا این است می‌فرمایند مبارزه و مبارزه، تاکید می‌کنند روی بحث مبارزه و خط مبارزه در انقلاب و جریان قاعدان را می‌گویند که آن دوره قبل از انقلاب هم همین جوری بود. کسانی بودند مبارزین را دوست



داشتند و از خودشان دست به هیچ مبارزه ای نمی زدند، دامنشان را هم تر نمی کردند، نزدیک میدان مبارزه هم نمی شدند. از مبارزین خوششان می آمد، وارد نمی شدند. البته کسانی هم بودند بدشان هم می آید اما ما این که می بینیم جریان مبارزه خوب جلو نمی رود برای این که می بینیم که این جمعیت دوست دار مبارزین زیادند. فرمود ما اکثر ضحیح و اقل الحجیح. چقدر این هایی که ضجه می زنند و ابراز احساسات می کنند زیادند، آن هایی که آهنگ انقلاب را دارند کم اند. به این دلیل مبارزه در آن دوره، در غربت دنبال شد. امروز هم همین است و البته آن دوره مبارزه در غربت رسید به انقلاب اسلامی. این مبارزه در غربت هم می رسد انشاءالله به دولت اسلامی. معظم له می فرمایند که همچنان که آن روز مبارزه لازم بود و کنار نشستن و مبارزین را دوست داشتن، کافی نبود امروز هم مبارزه لازم است. نشستن و مبارزه را مدح و تمجید کردن کافی نیست. ای رهبر آزاده، آماده ایم آماده. آماده ی چی هستید؟ آماده راه باید باشید، این راه را باید دست بگیرید. قبلش بروید این راه را بشناسید. می خواهیم برویم سوریه، می خواهیم بروم مدافع حرم شوم، خیلی خوب، ولی مدافع حرم دولت اسلامی شو، حرم دولت اسلامی امروز در خطر است. در این حرم دشمن نفوذ کرده، فساد نفوذ کرده، این حرم، مهمترین حرمی است که امروز زیر این آسمان و روی این زمین برای وجود نازنین حضرت حجت، زمینه ساز ظهور خواهد بود. باید این حرم را دریافت. چرا مبارزین ما، این جوانان سر از پا نشناخته و آماده فدا کردن جان، چرا به این سمت هدایت نمی شوند؟ باید این ها را هدایت کرد. جمله آخر؛ البته مبارز امروز، با مبارز آن روز، قبل از انقلاب، تفاوت ماهوی دارد. لکن مبارزه، مبارزه است، تلاش است، مجاهدت است. به طلبه ها می گویند به شماها، راه

این مبارزه را باید پیدا کنید.